



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

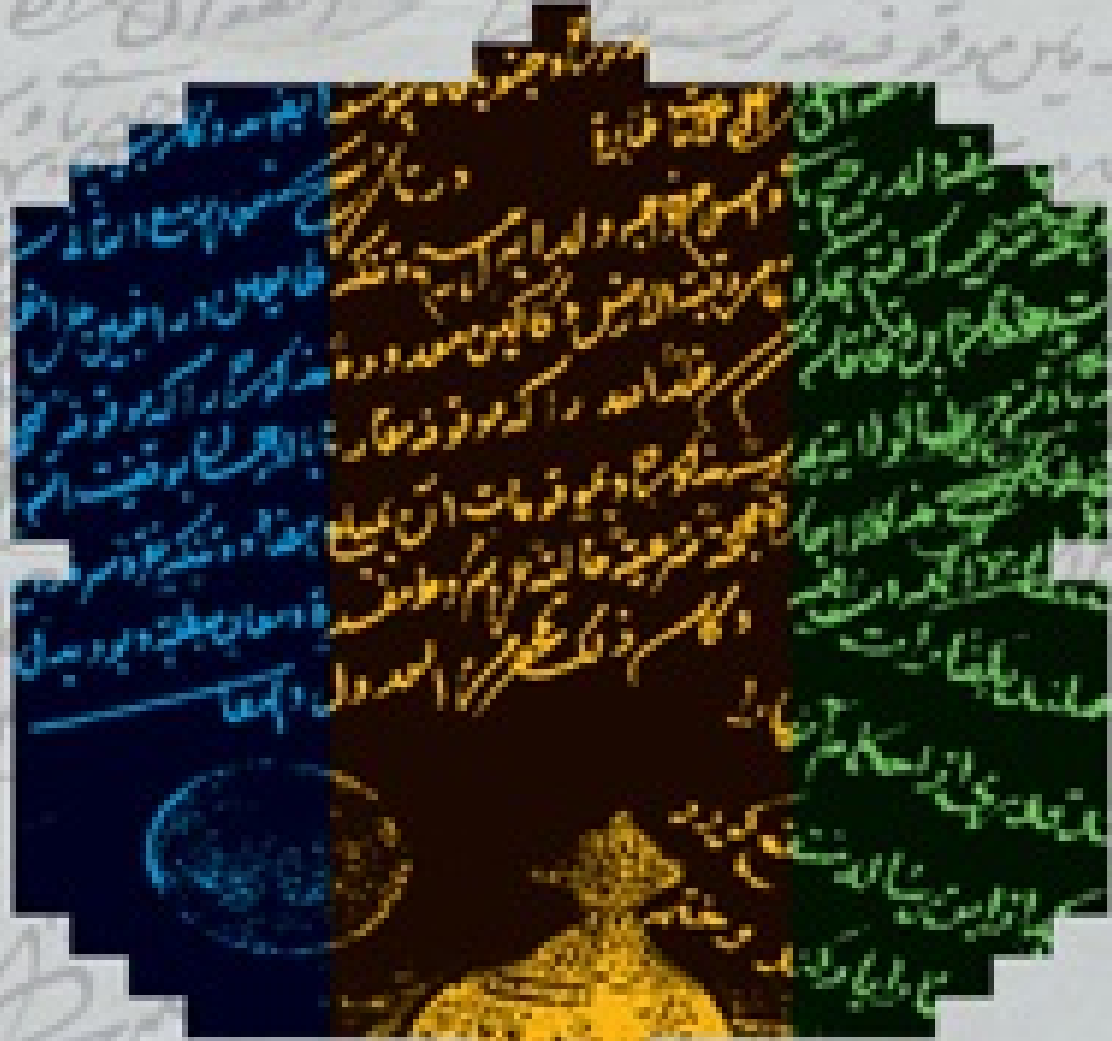
.com

.org

.net

.ir

# برگزیدہ احکام و قف



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# برگزیده احکام وقف

نویسنده:

معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

ناشر چاپی:

اسوه - سازمان اوقاف و امور خیریه جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۱	برگزیده احکام وقف
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۴	فهرست
۱۶	مقدمه
۱۹	فصل اول: احکام انشاء قبول و قبض وقف
۱۹	اشاره
۲۱	قبض و اقباض
۲۲	احکام مربوطه در یک نگاه
۲۴	استفتائات
۲۹	فصل دوم: احکام عین موقوفه
۲۹	اشاره
۳۱	احکام مربوطه در یک نگاه
۳۳	استفتائات
۳۹	فصل سوم: احکام واقف
۳۹	اشاره
۴۱	احکام مربوطه در یک نگاه
۴۲	استفتائات
۴۵	فصل چهارم: احکام موقوف علیه
۴۵	اشاره
۴۶	احکام مربوطه در یک نگاه
۴۷	استفتائات
۴۹	فصل پنجم: احکام تولیت و نظارت

۴۹	.....	اشاره
۵۱	.....	احکام مربوطه در یک نگاه
۵۴	.....	استفتائات
۶۱	.....	فصل ششم: احکام عواید و منافع موقوفه
۶۱	.....	اشاره
۶۲	.....	احکام مربوطه در یک نگاه
۶۵	.....	استفتائات
۶۹	.....	فصل هفتم: اثبات وقف
۶۹	.....	اشاره
۷۰	.....	احکام مربوطه در یک نگاه
۷۲	.....	استفتائات
۷۷	.....	فصل هشتم: احکام اجاره موقوفه
۷۷	.....	اشاره
۷۸	.....	احکام مربوطه در یک نگاه
۸۱	.....	استفتائات
۸۹	.....	فصل نهم: احکام فروش موقوفه
۸۹	.....	اشاره
۹۰	.....	احکام مربوطه در یک نگاه
۹۳	.....	استفتائات
۱۰۱	.....	فصل دهم: احکام تغییر و تبدیل
۱۰۱	.....	اشاره
۱۰۲	.....	احکام مربوطه در یک نگاه
۱۰۲	.....	۱. تغییر وقف بعد از قبض
۱۰۴	.....	۲. تخریب، تعمیر و نوسازی موقوفه
۱۰۴	.....	۳. استفاده ضمنی از موقوفه در کنار اجرای نیت واقف
۱۰۵	.....	۴. تبدیل موقوفه منفعتی به انتفاعی و عکس

۱۰۵	.....	۵. غصب موقوفه
۱۰۶	.....	۶. احکام مرتبط با تغییر و تبدیل
۱۰۷	.....	استفتائات
۱۱۹	.....	خاتمه: آشنایی با واژه ها
۱۱۹	.....	اشاره
۱۲۰	.....	اجاره:
۱۲۰	.....	اجاره بها:
۱۲۱	.....	اجرت المثل:
۱۲۱	.....	اجرت المسمی:
۱۲۱	.....	احیاء:
۱۲۲	.....	اراضی موات:
۱۲۲	.....	ارکان وقف:
۱۲۲	.....	اسباب تملک:
۱۲۲	.....	اعیان:
۱۲۳	.....	اعیانی:
۱۲۳	.....	افراز:
۱۲۳	.....	امین موقوفه:
۱۲۳	.....	اولاد:
۱۲۴	.....	باغ:
۱۲۴	.....	بیع:
۱۲۵	.....	بیع وقف:
۱۲۵	.....	پذیره:
۱۲۵	.....	تبدیل به احسن:
۱۲۵	.....	ترکه:
۱۲۶	.....	تصرف:
۱۲۶	.....	تصرف به عنوان وقف:

- ١٢٦ ..... تصرف عدوانى: تصرف
- ١٢٧ ..... توليت: توليت
- ١٢٧ ..... ثلث: ثلث
- ١٢٧ ..... ثمن: ثمن
- ١٢٧ ..... ثمن بيع: ثمن بيع
- ١٢٨ ..... حبس: حبس
- ١٢٩ ..... حقوق زارعانه: حقوق زارعانه
- ١٢٩ ..... حقوق مكتسب متصرف: حقوق مكتسب متصرف
- ١٢٩ ..... ذواليد: ذواليد
- ١٣٠ ..... رقبه: رقبه
- ١٣٠ ..... سرقتلى: سرقتلى
- ١٣٠ ..... شرط باطله: شرط باطله
- ١٣٠ ..... شرط صحيحه: شرط صحيحه
- ١٣١ ..... شرط ضمن عقد: شرط ضمن عقد
- ١٣١ ..... صدقه جاريه: صدقه جاريه
- ١٣١ ..... صلاحيت: صلاحيت
- ١٣١ ..... صيغه وقف: صيغه وقف
- ١٣٢ ..... ضامن: ضامن
- ١٣٢ ..... ضم امين: ضم امين
- ١٣٢ ..... ضمان: ضمان
- ١٣٢ ..... عرف: عرف
- ١٣٣ ..... عقد: عقد
- ١٣٣ ..... عقد اجاره: عقد اجاره
- ١٣٣ ..... غبطه: غبطه
- ١٣٤ ..... غصب: غصب
- ١٣٥ ..... فقه: فقه



- ١٣٥ ----- قاعده يد: -----
- ١٣٦ ----- قبض: -----
- ١٣٧ ----- قبض و اقباض: -----
- ١٣٧ ----- كافر: -----
- ١٣٧ ----- كافر حربى: -----
- ١٣٧ ----- گواهى مصرف: -----
- ١٣٧ ----- مأذون: -----
- ١٣٨ ----- مؤسسات فرهنگى: -----
- ١٣٨ ----- ماترك: -----
- ١٣٨ ----- مادام الحيوه: -----
- ١٣٩ ----- مال الاجاره: -----
- ١٣٩ ----- مال مشاع: -----
- ١٣٩ ----- مال مفروز: -----
- ١٣٩ ----- مالك: -----
- ١٤٠ ----- مالكيه شخصى: -----
- ١٤٠ ----- متروكه: -----
- ١٤٠ ----- متصرف: -----
- ١٤١ ----- متعذرالمصرف: (موقوفه متعذرالمصرف) -----
- ١٤١ ----- متولى: -----
- ١٤٢ ----- متوليان منصوب: -----
- ١٤٢ ----- متوليان منصوص: -----
- ١٤٢ ----- مجوز شرعى: -----
- ١٤٢ ----- مجهول المصرف: (موقوفه مجهول المصرف) -----
- ١٤٢ ----- مصالح عمومى: -----
- ١٤٢ ----- مصلحت وقف: -----
- ١٤٢ ----- معاطات: -----

- معامله فضولی: ۱۴۴
- ملک مشاع: ۱۴۴
- ملک مفروز: ۱۴۴
- موقوفات خاص: ۱۴۴
- موقوفات عام: ۱۴۵
- موقوفات متصرفی: ۱۴۵
- موقوف علیه: ۱۴۵
- موقوف علیهم: ۱۴۵
- موقوفه: ۱۴۵
- نظارت استصوابی: ۱۴۶
- ناظر استصوابی: ۱۴۶
- واقف: ۱۴۷
- وقف: ۱۴۸
- وقف انتفاع: ۱۴۸
- وقف بر نفس: ۱۴۹
- وقف خاص: ۱۴۹
- وقف عام: ۱۴۹
- وقف معاطاتی: ۱۵۰
- وقف منفعت: ۱۵۰
- وقف منقطع الاخر: ۱۵۰
- وکالت: ۱۵۱
- وکیل در توکیل: ۱۵۱
- ید: ۱۵۱
- یک قصبه: ۱۵۲
- منابع: ۱۵۴
- درباره مرکز: ۱۵۵

## برگزیده احکام وقف

### مشخصات کتاب

برگزیده احکام وقف

ناشر: مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تهیه و تنظیم: مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

لیتوگرافی و چاپ: شرکت چاپ و انتشارات وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه

نوبت چاپ: اول، آبان ماه 96

شمارگان: 5000 جلد

نشانی مجتمع: قم، بلوار 15 خرداد، جنب امامزاده شاه سیدعلی مجتمع فرهنگی و آموزشی شاه سیدعلی

غیرقابل فروش

سازمان اوقاف و امور خیریه معاونت فرهنگی اجتماعی

تلفن 025-38187156

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2



1 احکام انشاء، قبول و قبض و وقف...9

2 احکام عین موقوفه...19

احکام واقف...29

احکام موقوف علیہ...35

احکام تولیت و نظارت...39

احکام عواید و منافع موقوفه...51

اثبات وقف...59

احکام اجاره موقوفه...67

احکام فروش موقوفه...79

احکام تغییر و تبدیل...91

آشنایی با واژه ها...109

ص: 4



باسمه تعالی

سنت زیبای وقف، کامل ترین شکل احسان و انفاق و زیباترین جلوه ی نوع دوستی و یکی از سودمندترین معاملات بنده با خدای مهربان است که براساس آن، آدمی با گذشتن از بخشی از سرمایه خود، بهره ای از جاودانگی و استمرار زندگی پس از طی دوران حیات به خود می گیرد.

با توجه به سابقه درخشان و بی بدیل مسلمانان ایرانی در اعصار مختلف و گسترش مثال زدنی موقوفات در گوشه و کنار این تمدن کهن از یک طرف و ترویج بیش از پیش این سنت حسنه به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی از طرف دیگر، امروزه کمتر کسی یافت می شود که با مظاهر وقف ارتباط نداشته باشند و مصداق یکی از عناوین وقف کنندگان، بهره مندان از منافع وقف، متصرفین و در اختیاردارندگان موقوفات و اداره کنندگان نظام وقف نباشد.

به همین منظور و نظر به حقوق مندرج در وقف، که شامل حق خدا، حق واقف و حق موقوف علیهم که گاه جمعیتی غیرقابل تصور را شامل می شود، شناخت این سنت حسنه ی بی بدیل و روشن شدن زوایای پیدا و

ص: 6



پنهان آن، به خصوص از دیدگاه شرع مقدس بر همه هم وطنان عزیز ضروری است.

سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان متولی امور موقوفات در کشور، امر خطیر جمع آوری فتاوی ولی فقیه و مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای مد ظله را در زمینه ی وقف طی چندین سال به انجام رسانده که نتیجه ی کار در قالب چاپ و انتشار کتاب ارزشمند «استفتائات وقف» در اختیار اصحاب وقف، به خصوص اداره کنندگان مجموعه اوقاف قرار گرفته است.

به همین منظور معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه برای ترویج و گسترش احکام وقف بین آحاد جامعه، بخشی از احکام وقف را، که روزآمد و مورد ابتلای کثیری از جامعه باشد، از کتاب فوق استخراج نموده، در قالب کتاب «برگزیده احکام وقف» به چاپ رسانید.

امید که این تحفه مورد قبول درگاه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع گردیده، موجبات رضایت حضرت باری تعالی را فراهم آورد.

سازمان اوقاف و امور خیریه

معاونت فرهنگی و اجتماعی

ص: 7



## فصل اول: احكام انشاء قبول و قبض وقف

اشاره

ص: 9

برخی از مهم ترین ارکان وقف عبارت اند از: واقف، موقوفه، موقوف علیه (علیهم)، صیغه ی وقف، قبض و اقباض و متولی که در این فصل درباره ی «صیغه وقف» و «قبض و اقباض» با شما سخن می گوئیم.

صیغه لفظی است که اراده واقف بروقف مال خود در قالب آن اعلام می شود. هرچه بر معنای مراد از وقف دلالت کند، در صیغه کفایت می کند.

وقف با فعل و عمل واقف نیز حاصل می شود که به آن «وقف معاطاتی» گویند؛ البته در وقف مسجد مجرد ساختن ساختمان به نیت مسجد کفایت نمی کند؛ بلکه واقف یا باید صیغه ی وقف را جاری سازد یا آن را برای نماز خواندن به نمازگزاران تحویل دهد.

راز ماندگاری وقف نسبت به سایر مصادیق احسان و انفاق این است که پس از تحقق وقف هرگونه تبدیل و تغییر در آن خط قرمز شرع مقدس است؛ حتی خود واقف هم در این زمینه بیگانه از وقف شمرده می شود؛ البته برخی موارد انگشت شمار تغییر و تبدیل در موقوفات، مربوط به موارد اضطرار است که به مصلحت وقف صورت می پذیرد. این، همان راز جاودانه بودن وقف است.

اقباض به این معناست که واقف عین موقوفه را به تصرف موقوف علیهم در آورد و قبض یعنی موقوف علیهم، آن را در اختیار گرفته، در آن تصرف کنند.

قبض در صحت وقف شرط است و بایست با اجازه واقف صورت گیرد و این یعنی واقف باید آن را اقباض کند تا وقف تمامیت یابد.

در قبض، فوریت شرط نیست، لذا اگر عینی را وقف و آن را در زمان دیگری اقباض کند، کفایت می کند و وقف از زمان قبض تمامیت می یابد.

نیت و قصد وقف کردن به تنهایی برای تحقق وقف کافی نیست؛ بلکه وقف باید بر وجه شرعی محقق شود.

صیغه ی وقف به هر زبانی صحیح است و عربی بودن شرط نیست.

کتابت وقف نامه توسط دیگری، بدون نیت مالک نافذ نیست.

انشاء وقف به صورت موقت و معلق، مثل وقف کردن مکانی به عنوان مسجد برای مدت ده سال صحیح نیست و عنوان مسجدیت هم با آن محقق نمی شود؛ ولی حبس آن مکان برای نمازگزاران به مدت معین اشکال ندارد.

وقف ایقاع است نه عقد؛ ولی در صحت وقف، قبض موقوف علیه شرط است، فلذا اگر شخص «ب»

عین موقوفه را تحویل نگیرد، وقف محقق نمی شود.

برخی از موارد قبض:

تحویل موقوفه به متولی یا مسئولین بیمارستان یا مرکز بهداشتی.

تحویل موقوفه به متولی با بهره برداری در جهت وقف در مسجد، حسینیه و اصغریه.

تحویل مسجد به متولی یا اقامه ی نماز در آن.

تحویل به متولی در حوزه ی علمیه و مدرسه .

دفن میت یا تحویل قبرستان و غسل خانه به متولی.

در وقف بر اولاد تحویل به موقوف علیه.

اگر واقف متولی باشد قبض جدید لازم نیست.

وقف معاطاتی فقط در مصالح عامه صحیح است؛ مثل «در اختیار قرار دادن زمین از طرف واقف برای دفن اموات» و «واگذار نمودن مکانی به عنوان حسینیه و عزاداری در آن» و در موارد دیگر صیغه لازم است.

تخلف از شرایط مندرج در وقف و تغییر آن حتی توسط واقف، جایز نیست.

شرط باطل در ضمن وقف نافذ نیست؛ مثل اینکه فردی زمینی را وقف مسجد نماید و یک اتاق را برای خودش نگه دارد.

ص: 13

1. آیا در موارد وقف باید حتما صیغه وقف به عربی خوانده شود یا نیت وقف از سوی بانی کافی است؟

باسمه تعالی

در وقف بر مصالح عامه معاطات کافی است و در صیغه وقف عربیت شرط نیست.

2. پدر بزرگ حقیر حدود هفتاد سال پیش باغ انگوری را با زبان آذری وقف کرده اند و با صیغه ی مخصوص ادا نکرده اند، بلکه گفته اند من این باغ را وقف کردم تا هر چقدر در آمد داشته باشد، صرف مخارج امام حسین علیه السلام بشود. آیا وقف صحیح است؟

باسمه تعالی

به هر زبانی وقف کرده باشد و تحویل متولی وقف داده باشد، صحیح است و باید طبق آن عمل شود.

3. وقف عقد است یا ایقاع مثلا اگر در وقف محصور، چیزی را به کسی وقف کنند او می تواند رد کند؟

ص: 14



باسمه تعالی

وقف ایقاع است؛ ولی در صحت وقف، قبض موقوف علیه شرط است، فلذا در فرض سؤال اگر شخص «ب» عین موقوفه را تحویل نگیرد، وقف محقق نمی شود.

4. آیا احکام مسجد صرفاً با خواندن صیغه ی مسجد لازم الاجرا است؟

باسمه تعالی

احداث مکانی به نام مسجد و واگذار کردن آن به نمازگزاران و خواندن ولو دو رکعت نماز، در تحقق وقفیت آن کفایت می کند.

5. زمینی وجود دارد که مالکش آن را در حضور عالم منطقه و دو نفر شاهد عادل برای ساختن مسجد وقف کرده است و بعد از مدتی اشخاصی بر آن تسلط پیدا کرده و خانه های مسکونی در آن بنا نموده اند، وظیفه ی آن اشخاص و متولی چیست؟

باسمه تعالی

اگر بعد از انشاء وقف زمین، قبض عین موقوفه با اذن واقف تحقق پیدا کرده باشد، همه ی احکام وقف بر آن مترتب می شود و ساخت خانه های مسکونی توسط دیگران در آن برای خودشان غصب است و بر آنان واجب

ص: 15

است ساختمان خود را از بین ببرند و زمین را تخلیه کنند و به متولی شرعی آن تحویل دهند و در غیر این صورت، زمین بر ملک مالک شرعی آن باقی و تصرفات دیگران در آن متوقف بر اجازه ی مالک است.

6. سال 1364 اینجانب زمینی را طی سند رسمی به وقف حوزه ی علمیه در آوردم که آقای امام جمعه محترم، ساختمان آن را بسازند و مورد استفاده طلاب قرار گیرد، متأسفانه از آن تاریخ تاکنون هیچ گونه عملی روی زمین انجام نگرفته و به وقف عمل نشده و کار دیگری هم روی زمین به خاطر وقف مورد نظر نمی شود انجام داد و زمین بدون استفاده مانده، حال با گذشت سیزده سال و عمل نشدن به وقف و با توجه به اینکه هیچ گونه امیدی هم به ساختن آن نمی رود و مسئله منتفی شده، آیا زمین به وقفیت خود باقی است یا قابل عودت است؟

باسمه تعالی

اگر زمین قبض نشده وقف تحقق نیافته و اختیار آن با خود شماست و اگر تحویل داده شده وقف تمام و قابل تغییر و تبدیل و عودت نیست.

7. کسی که در مکانی زندگی می کند که وقف نامه ای دارد، مثلاً طبق وقف باید فرد هر روز یک جزء قرآن بخواند، ولی به آن عمل نکرده، وظیفه ی او چیست؟

ص: 16

باسمه تعالی

تخلف از مورد و جهت وقف حرام است و نمی تواند در مکان مذکور تصرف نماید.

8. آیا جایز است مکانی برای مدت موقتی مثلاً ده سال به عنوان مسجد وقف شود و بعد از انقضای این مدت دوباره به ملکیت واقف یا ورثه او برگردد؟

باسمه تعالی

این کار به عنوان وقف موقت صحیح نیست و عنوان مسجدیت هم با آن محقق نمی شود؛ ولی حبس آن مکان برای نمازگزاران به مدت معین اشکال ندارد.

ص: 17





گذشت که یکی از ارکان وقف، موقوفه یا به تعبیر بهتر مال موقوفه است. موقوفه مالی است که به قصد تقرب به خدا وقف می شود.

مال موقوفه باید چهار شرط داشته باشد: 1. عین باشد؛ 2. ملک واقف باشد؛ 3. انتفاع و استفاده ی حلال از آن با بقایش ممکن باشد؛ 4. گرفتن و دادن (قبض و اقباض) آن صحیح باشد.

از این رو وقف دین و قرض، مال دیگری، غذا یا میوه، پرنده در هوا یا ماهی در آب که هر یک به ترتیب فاقد شروط چهارگانه قبل اند، صحیح نیست.

در عین موقوفه فعلی منفعت شرط نیست؛ یعنی هنگام وقف کردن لازم نیست عین موقوفه دارای منفعت باشد.

وقف انفال مثل جنگل ها و مراتع که از اموال عمومی است و ملک خاص کسی نیستند، صحیح نیست.

وقف پول و همچنین محصولات مصرفی مثل محصول یک درخت، صحیح نیست.

وقف مال محبوسه صحیح است و بعد از اتمام مدت حبس تأثیر می کند.

عین موقوفه قابل تقسیم نیست، مگر برای مثل رفع نزاع بین موقوف علیهم در وقف خاص به طور موقت.

وقف مال مشاع و افراز آن پس از وقف صحیح است.

وقف زمین لزوماً به معنی وقف درخت کاشته شده در آن نیست، مگر اینکه قرینه ای در بین باشد که درخت را هم وقف کرده است.

قطع درخت وقفی حتی در ملک خریداری شده جایز

نیست.

اعیان مستحده در زمین وقفی لزوماً وقف نیست.

آب های تحت الارضی در املاک وقفی، اگر عرفه جزء زمین باشند، وقف هستند.

چاه حفرشده در زمین وقفی، وقف است.

سنگریزه ها و سنگ های موجود در عین موقوفه جزء وقف است.

اگر وسایلی برای استفاده در حسینیه وقف شده باشد، اجاره دادن یا خارج کردن آن وسایل از حسینیه جایز نیست.

استفاده از ظروف حسینیه برای مراسم و... تابع کیفیت وقف ظروف است. اگر استفاده از آنها منافات با جهت وقف نداشته باشد، اشکال ندارد.

هدیه دادن عین موقوفه صحیح نیست.

آهن حسینیه مخروبه اگر قابل استفاده نیست، در حسینیه ی دیگر استفاده شود.

حریم موقوفه، حکم موقوفه را دارد.

ص: 22



9. آیا چیزی که وقف می شود باید هنگام وقف کردن منفعت داشته باشد، چه بالقوه چه بالفعل؟

باسمه تعالی

هنگام وقف کردن لازم نیست دارای منفعت باشد.

10. آیا جنگلها و مراتع طبیعی که انسان دخالتی در ایجاد آنها ندارد و همان گونه که اصل چهل و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح کرده از انفال محسوب می شوند، قابل وقف هستند؟

باسمه تعالی

در صحت وقف، سابقه مالکیت شرعی خاص واقف شرط است و چون جنگل ها و مراتع طبیعی، که از انفال و اموال عمومی هستند، ملک خاص کسی نیستند، در نتیجه وقف آنها توسط هیچ فردی صحیح نیست.

11. زمینی که در اصل جنگل بوده توسط شخصی تصرف و بعدا وقف گردیده و برای کارهای عام المنفعه در اختیار اشخاص قرار گرفته است، آیا این وقف صحیح است و می توان عرصه و اعیان را وقف نماید؟

ص: 23

اگر با اجازه ی مقام مسئول ذی ربط احیاء کرده و مالک شرعی آن شده است، می تواند آن را وقف کند.

12. آیا جمع آوری مبالغی با هماهنگی سازمانها و افراد خیر برای اهدای جوایز به محققان دانشگاهی و نگهداری آن وجوه به صورت وقف در حسابی ویژه برای استفاده از منافع سالانه ی آن جایز است؟

باسمه تعالی

تطبیق عنوان وقف با این مورد محل شبهه است لکن دانشگاه می تواند با اجازه ی صاحبان پول یا با اخذ وکالت از آنان، مبالغ مزبور را به شکل مورد نظر خود سپرده گذاری کند.

13. شخصی یک درخت یا محصول یک درخت را هر سال وقف کرده برای امام حسین علیه السلام مدت دو یا سه سال گذشته، ولی هنوز به تصرف موقوف علیهم نداده و متولی هم معین نکرده، حال تکلیف چیست؟ یعنی وقف صحیح است یا نه و نسبت به محصولات گذشته چه باید کرد و باید به قبض موقوف علیهم بدهد یا نه؟

باسمه تعالی

در وقف قبض شرط است و در فرض مرقوم وقف صحیح

نیست و وقف محصول هم با فرض اینکه محصول صرف می شود صحیح نیست، والله العالم .

14. باری حقیر صاحب پنجاه درصد کارخانه ای به طور مشاع هستم و قصد دارم قدر سهم خودم را برای امور خیریه وقف نمایم، آیا مشاع بودن قدر سهم اینجانب مانع وقف شدن است یا خیر؟

باسمه تعالی

وقف مال مشاع صحیح است.

15. آیا جایز است بعضی از ورثه که در ترکه سهم دارند، همه ی آن را وقف کنند و آیا اجرای صیغه ی وقف به نام آن عده صحیح است؟

باسمه تعالی

وقف ایشان فقط در سهم خودشان از ترکه صحیح است؛ ولی نسبت به سهام سایر ورثه فضولی و متوقف بر اجازهی آنان است.

16- زمینی است موقوفه روشنایی مسجد که بر اثر احداث خیابان قسمت اعظم آن در مسیر خیابان قرار گرفته است، حال اگر توسط متولی یا مستأجر روی باقی مانده ی موقوفه احداث ساختمان به صورت تجاری یا مسکونی

ص: 25

شود آیا ساختمان احداث شده وقف محسوب می شود یا فقط زمین وقف می باشد؟

باسمه تعالی

هرگونه تصرف در موقوفه باید زیر نظر متولی شرعی وقف و صلاح وقف باشد و ساختمان احداثی ملک احداث کننده است؛ ولی اجاره ی زمین را باید به متولی شرعی موقوفه بپردازد.

17. مستدعی است نظر مبارک نسبت به سؤال ذیل بیان فرمایید: آیا سفره ی آبی موجود زیر اراضی موقوفه تابع وضع زمین (وقف) است یا نه؟

باسمه تعالی

آب زیر زمین وقفی حکم وقف را ندارد، بلی اگر چاه در زمین وقفی حفر شده باشد حکم وقف دارد.

18. در بعضی از زمین های وقفی نهرها یا مسیل هایی وجود دارد که سنگریزه ها و سنگهای معدنی در آنها یافت می شود، آیا این سنگریزه ها و سنگ های موجود در آنها که در ملک موقوفه واقع شده اند، تابع وقف هستند؟

باسمه تعالی

نه‌های بزرگ عمومی و همچنین مسیلهای عمومی که در

ص: 26

مجاورت زمین های وقفی هستند و یا از داخل آنها عبور میکنند، جزء وقف نیستند، مگر آن مقداری از آنها که از نظر عرف، حریم موقوفه محسوب می شوند، در نتیجه با آن مقدار همانند وقف رفتار می شود؛ ولی در نه‌های کوچکی که موقوفه هستند واجب است نسبت به سنگریزه ها و سنگهای معدنی و غیره مانند وقف رفتار شود.

19. وسایلی که برای حسینیه یا مسجد وقف شده، آیا افرادی که در مسجد و حسینیه خدمت می کنند می توانند آن وسایل را به مجالس عروسی یا به مجالس ولیمه در خانه ها یا مجالس ختم اموات امانت بدهند و در قبال آن پولی برای مخارج مسجد یا حسینیه دریافت کنند یا نه؟ ضمناً آیا ظروفی که وقف است در مسجد و حسینیه بلکه در خانه ها آیا همین حکم را دارند یا نه؟

باسمه تعالی

امر وقف با متولی شرعی آن و با نبود متولی خاص با حاکم شرع است و با اجازه ی او باید در جهت وقف از آن استفاده شود و نباید تغییر بدهند، پس اگر وقف برای استفاده از آن در حسینیه و مسجد شده نمی تواند به جای دیگری ببرند، حتی اگر پول هم بگیرند.

20. واقفی نصف ملک موقوفه خود را به کسی بخشیده (این مسئله هفتاد سال پیش رخ داده)، تولیت این ملک

ص: 27

موقوفه با اولاد ذکور می باشد، حال آیا آن شخص می تواند ملک را به نوه اش ببخشد یا خیر؟

باسمه تعالی

ملک موقوفه و همچنین تولیت موقوفه قابل بخشش به دیگران و انتقال به غیر نیست، بلکه باید در موقوفه بر طبق آنچه واقف تعیین کرده است عمل نمایند.

21. به دلیل خالی شدن این محل از سکنه حسینیة دیگر هیچ فایده ای ندارد؛ یعنی دیگر آن جا حسینیة ای بنا نمی شود مقداری آهن به جا مانده است هیئت عزاداران علی اصغر علیه السلام تصمیم گرفتند که یک انباری جهت وسایل هیئت درست کنند، آیا اجازه می فرمایید از این آهن حسینیة مخروبه استفاده کنند یا حکم چیزی دیگر است؟

باسمه تعالی

اگر آهن ملک اشخاص است باید رضایت آنان تحصیل شود و چنانچه متعلق به حسینیة است، در صورتی که استفاده از آنها در این حسینیة ممکن نیست باید در حسینیة دیگر از آنها استفاده شود، والله العالم.

ص: 28



واقف یکی از شش رکن مهم در وقف است. واقف کسی است که مال خود را وقف می کند. چهار شرط برای واقف لازم است: 1. بالغ باشد؛ 2. عاقل باشد؛ 3. اختیار داشته باشد؛ 4. اجازه ی تصرف در اموالش را داشته باشد، از این رو وقف بچه، وقف مجنون، کسی که مجبور شده، اختیار ندارد (مُکْرَه)، وقف ورشکسته (مفلس) صحیح نیست.



واقف باید مالک باشد.

وقف حکام جور، اگر مالک نباشند صحیح نیست.

وقف توسط غیر مسلمان مثلاً زرتشتی صحیح است.

اگر واقف مُکره باشد، وقف فضولی است؛ یعنی تا زمانی که اجازه ی او به آن ملحق نشود، وقف صحیح نیست.

وقف توسط شخصیت حقوقی مثل وقف املاک دولتی با لحاظ شرایط لازم، صحیح است.

واقف بعد از وقف اجنبی از وقف است و حق رجوع از وقف و تغییر آن ولو به عنوان اصلاح را ندارد.

اگر واقف در حین وقف، خود را متولی قرار دهد، صحیح است.

با وکالت از سوی واقف، وقف صحیح است.

تخلف وکیل از منویات واقف جایز نیست؛ مثلاً اگر اهالی یک محل جوهری را به عنوان ساخت مسجد به هیئت امنا بپردازند، باید پول در همان جهتی که صاحبان آن داده اند مصرف شود و الا خرج کننده ضامن است.

22. اگر زمینی چند وارث داشته باشد و یکی از ورث که در قید حیات نیست بدون اجازه ی بقیه ورث آن ملک را وقف نموده باشد، حکم این وقف چیست؟

باسمه تعالی

نسبت به سهم خود، وقف صحیح و نسبت به سهم دیگران فضولی است، که در صورت اجازه هرکدام نسبت به سهم وی صحیح است.

23. آیا وقف از کسی که اکراه بر آن شده، صحیح است؟

باسمه تعالی

اگر واقف اکراه بروقف شده باشد، تا زمانی که اجازه ی او به آن ملحق نشود، وقف صحیح نیست.

24. نحوه ی واگذاری زمین برای احداث مسجد و حسینیه از طرف مالکان حقوقی چگونه است؟

باسمه تعالی

وقف اموال از سوی مالک حقوقی مثل وقف املاک دولتی به وسیله ی دولت با لحاظ شرایط لازم، جایز است.

25. افراد خیری طی وقف نامه های عادی اقدام به ایجاد موقوفات و رقباتی نموده اند تا عواید آنها در امور خیر هزینه گردد، با عنایت به عدم دوراندیشی لازم در مفاد وقف نامه در خصوص کیفیت هزینه ی این عواید رعایت مصلحت و غبطه وقف ملحوظ نگشته، حال واقف متوجه نواقص وقف نامه گردیده و به منظور مصلحت وقف باید وقف نامه اصلاح گردد. با عنایت به اینکه واقف در قید حیات بوده، استدعا داریم جواز یا عدم جواز اصلاح وقف نامه را امر به ابلاغ کنید.

باسمه تعالی

بعد از وقف و تحقق قبض معتبر در آن واقف نسبت به وقف اجنبی می شود و حق تغییر وقف ولو به عنوان اصلاح را ندارد، والله العالم.

26. اگر افرادی به جمع آوری پول از نیکوکاران و خرید خانه به قصد حسینیه اقدام کنند، آیا اقدام آنان برای جمع آوری پول برای این کار کافی است تا حق وقف آن خانه را به عنوان حسینیه داشته باشند یا باید برای این کار از صاحبان پول ها وکالت بگیرند؟ و از آن جا که در واقف شرط است که با مالک باشد یا در حکم مالک و این افراد مالک نیستند، آیا به صرف جمع آوری پول توسط آنان، بر آنان حکم مالک صدق می کند تا حق وقف داشته باشند؟

ص: 33

اگر از طرف افراد خیر وکیل باشند تا خانه را بعد از خرید، به عنوان حسینیه وقف کنند، وقف آنان به وکالت از مالکین صحیح است.



موقوف علیه (علیهم) فرد یا افرادی اند که موقوفه به منظور بهره برداری آنان وقف می گردد.

موقوف علیه (علیهم) باید دارای ویژگی های ذیل باشد: 1. موجود باشد؛ 2. معین باشد؛ 3. اجازه ی تملک چیزی داشته باشد؛ 4. وقف بر آن جایز باشد؛ بنابراین، وقف بر جنین و کسی که هنوز به دنیا نیامده است، وقف بر یکی از این دو نفر یا یکی از آن دو بارگاه، وقف بر عبد و کنیز و وقف بر کافر حربی صحیح نیست.

برای وقف اقسامی چند به اعتبارهای مختلف ذکر شده است؛ از جمله تقسیم آن به اعتبار موقوف علیه بر دو قسم وقف عام و وقف خاص است که تعریف آن در ادامه خواهد آمد.

### احکام مربوطه در یک نگاه

وقف بر امور محرّمه باطل است.

وقف بر نفس باطل، ولی استثناء منافع صحیح است.

27. از مال دنیا یک خانه ی مسکونی و یک باب مغازه دارم که درآمد آن کمک خرجی ام است، می خواهم وصیت نمایم با توجه به اینکه بیش از یک سوم اموالم را نمی توانم وصیت کنم آیا می توانم هم اکنون که زنده هستم مغازه ام را وقف نمایم، مشروط بر اینکه بعد از مردنم اجاره ی آن را بین طلبه هایی که در شهر خودمان درس می خوانند تقسیم شود و کتاب خریداری نمایند و اما منزلم را به فرزند خوانده ام ببخشم مشروط بر اینکه تا زنده هستم در آن بنشینم و بعد از مردن، مال او باشد .

باسمه تعالی

می توانید مغازه را در حال حاضر وقف و منافع آن را مادام الحیات استثناء کنید و نیز می توانید منزل را به استثنای منافع به هر فردی ببخشید؛ البته مشروط به اینکه قبض و اقباض به نحو معتبر شرعی انجام گردد و در زمان زندگی اختیار اموال تان با خودتان است.

28. معنای وقف عام و وقف خاص چیست؟ عده ای می گویند: تغییر وقف خاص برخلاف قصد واقف و تبدیل آن به ملک خاص جایز است، آیا این سخن صحیح است؟

ص: 37

باسمه تعالی عموم و خصوص در وقف با ملاحظه موقوف علیه است؛ بنابراین وقف خاص، وقف بر شخص یا اشخاص معین است؛ مانند وقف بر اولاد و یا وقف برزید و فرزندان او و وقف عام وقف بر جهات و مصالح عمومی مانند مساجد و مکان های استراحت و مدارس و امور مشابه دیگر و یا وقف بر عناوین کلی مثل فقرا و ایتام و بیماران و کسانی که در راه مانده اند و مانند آن است و این اقسام سه گانه تفاوتی از جهت اصل وقف ندارند.

ص: 38





همان طور که گذشت، متولی یکی از ارکان وقف است. متولی کسی است که واقف او را برای اداره ی موقوفه برمی گزیند. چنانچه واقف، خودش را متولی وقف قرار دهد، عدالت در او شرط نیست. در صورتی که متولی غیر از واقف باشد نیز عدالت در او شرط نیست؛ مگر اینکه واقف آن را شرط کرده باشد؛ اما امانت و کفایت در متولی شرط است؛ از این رو نمی توان تولیت را به شخص خائن یا کسی که کفایت لازم را ندارد، سپرد.

تولیت وقف مسلمانان توسط غیرمسلمان جایز نیست.

کبرسن مانع تولیت نیست.

سابقه ی بیماری جسمی مانع تولیت نیست.

تولیت شخصیت حقوقی صحیح است.

عدالت در متولی شرط نیست.

کسی که فاقد شرایط است، حق تولیت ندارد.

فردی که واجد شرایط تولیت است، می تواند از قبول تولیت امتناع ورزد؛ لکن اگر آن را پذیرفت، بنابر احتیاط، جایز نیست خود را عزل کند.

تولیت وقف قابل واگذاری به غیر نیست؛ ولی متولی می تواند در صورت عدم اشتراط مباشرت، وکیل بگیرد.

متولی حق تعیین تولیت بعدی را ندارد، مگر اینکه در حین وقف از سوی واقف ذکر شده باشد. را متولی باید طبق وقف و مصالح آن عمل کند.

متولی حق ندارد چیزی که با مقتضای وقف در تعارض است، وضع کند.

مسئول شرعی موقوفه موظف به حفظ و احقاق حقوق موقوفه است.

جایز نیست ناظر و متولی بعد از قبول نظارت و تولیت، خود را عزل کند.

عزل بعضی از متولیان وقف توسط متولیان دیگر جایز نیست و واجب است بررسی اتهام کسانی را که متهم به خیانت هستند، به حاکم شرع ارجاع دهند.

عزل متولی توسط واقف جایز نیست و فقط حاکم شرع در صورت خیانت متولی می تواند او را عزل کند.

تغییر متولی جایز نیست مگر این که در وقف چنین حقی برای مثل واقف قرار داده شده باشد.

در صورت کوتاهی متولی، ضم امین با حاکم شرع است و با فوت متولی شرعی، امین ضم شده، عزل می شود.

با رفع اتهام از متولی، نظارت امین به پایان می رسد. نظارت امین، استصوابی است.

تولیت بقاع مبارکه و اوقاف عام، که متولی خاصی ندارند، با حاکم و ولی امر مسلمین است و این تولیت در حال حاضر به نماینده ولی فقیه در ادارهی اوقاف و امور خیریه واگذار شده است.

سازمان اوقاف در محدوده ی قانون حق دخالت در امور مربوط به متولی خاص را دارد.

مراعات قوانین و مقررات ادارهی اوقاف لازم است.

توکیل و وکیل گرفتن در تولیت و نظارت صحیح است، مگر اینکه شرط مباشرت وکیل یا ناظر شده باشد.

در صورت عدم تعیین حق التولیه از سوی واقف، متولی می تواند اجرت المثل را از عواید بردارد.

معاملات متولی سابق در مورد موقوفه، محکوم به صحت و نفوذ است.

برخی هزینه های اداره ی موقوفه که دخالتی در حصول عوائد و درآمد ندارد، از عوائد، که سهم موقوف علیهم است، کسر نمی شود.

با از بین رفتن وصف منصوص، تولیت ساقط میشود.

گرفتن صورت حساب از متولی توسط موقوف علیه، برای رفع هرگونه شبهه و سوء تفاهم جایز است.

موقوف علیه حق دخالت در امر تولیت را ندارد.

واقف اعیان مستحدثه در زمین وقفی، می تواند برای اعیان، ناظر و متولی تعیین کند.

اگر متولیان متعدد و وقف نامه مطلق باشد، یعنی تولیت آنان را به طور مطلق بیان کرده و قرینه ای که بر استقلال بعضی از آنان حتی اکثریت دلالت بنماید وجود نداشته باشد، هیچ یک مستقل نیستند، بلکه باید برای اداره ی امور وقف از طریق مشورت و اتخاذ رای واحد، مجتمعاً عمل نمایند.

اگر واقف تعیین هیئت امنا را برای عموم اهالی قرار داده باشد، باید همه ی اهالی مشارکت کنند.

اگر واقف تولیت را برای اولاد ذکور قرار داده باشد، در صورت تعدد، هیچ یک مستقل نیستند.

در موقوفاتی که به تازگی به وقف (مثل مسجد قدیمی) ضمیمه شده اند، اختیار تعیین متولی و جهت وقف با واقف جدید است و بانی مسجد قدیمی حق مخالفت با آن را ندارد.

همه ی شروط واقف باید احراز شود.

29. تولیت یعنی چه و متولی چه وظایف و چه اختیاراتی نسبت به موقوفه دارد؟

باسمه تعالی

کسی که شرعا متصدی اداره‌ی وقف و امور مربوطه به آن است، متولی وقف است و باید با مراعات مصلحت وقف و جهت وقف امور موقوفه را اداره کند.

30. آیا راهی وجود دارد (شرعا) که انسان بتواند مادام العمر الی الابد از زیر بار این مسئولیت خارج شود؟

باسمه تعالی

اگر تولیت را قبول کرده راهی ندارد و می تواند کمک بگیرد.

31. آیا جایز است متولی وقف تولیت خود را به اداره ی اوقاف و امور خیریه واگذار کند؟

باسمه تعالی

متولی وقف حق این کار را ندارد، ولی اشکال ندارد که اداره ی اوقاف یا شخص دیگری را برای انجام امور وقف وکیل کند.

32. در وقف نامه قید شده تولیت وقف به عهده علمای منطقه باشد . آیا بعضی از این علما می توانند بدون رضایت بعضی دیگر شخص عالم دیگری از منطقه ی دیگر را متولی قرار دهند یا خیر؟

باسمه تعالی

نمی تواند متولی قرار دهد؛ حتی با رضایت دیگران، ولی می تواند برای خودش وکیل یا کمک بگیرد، والله العالم .

33. چنانچه مستأجران موقوفات از پرداخت حقوق وقف امتناع ورزند، آیا اداره ی اوقاف شرعا مکلف به اقدام وصول حق موقوفه است، هرچند از طریق محاکم قضایی به دخالت قوای انتظامی منجر گردد یا در حد ابلاغ و استدعاء رفع تکلیف می شود؟

باسمه تعالی

مسئول شرعی اداره ی امور موقوفه موظف است در صورت نیاز، از طرق قانونی اقدام به حفظ و احیا و احقاق تمام حقوق موقوفه نماید.

34. اگر واقف شخصی را به عنوان ناظر و مراقب وقف تعیین کند و شرط نماید که فقط ولی امر مسلمین بتواند او را از نظارت و اشراف بر وقف عزل کند، آیا جایز است او خودش را از این کار عزل کند؟

ص: 45

باسمه تعالی

به احتیاط واجب، جایز نیست ناظر وقف بعد از قبول نظارت، خودش را از نظارت بر وقف عزل کند، همانگونه که برای متولی وقف هم این کار جایز نیست.

35. اولاً: آیا تولیت حقیر که واقف آن را به من داده و بنده قبول کرده ام و فتوکپی آن سند ضمیمه است، کسی می تواند آن را باطل اعلان کند؟

باسمه تعالی

بعد از اینکه شخص شرعاً متولی شد، کسی نمی تواند تولیت او را باطل کند؛ بلی در صورت خیانت، حاکم شرع می تواند او را عزل نماید.

ثانیاً: آیا حقیر شرعاً می توانم اعراض از تولیت موجود نمایم یا خیر، با توجه به اینکه واقف از دنیا رفته و چنین شرطی هم ابتدای عقد این سند ذکر نشده است.

باسمه تعالی

بنابر احتیاط واجب متولی شرعی نمی تواند خود را از تولیت برکنار کند.

36. واقف چندین سال است که متولی را مشخص نموده و برای آینده (تا قیامت) نیز تکلیف را روشن کرده است. آیا در صورت عدم خلاف میتواند متولی را عوض کند؟

ص: 46



اگر متولی در ضمن وقف تعیین شده، نمی تواند او را عوض کند و واقف حکم اجنبی را دارد مگر اینکه در وقف برای خود حقی قرارداد باشد.

37. اگر متولی منصوب برای اداره ی امور وقف به علتی در انجام وظیفه ی خود کوتاهی و سهل انگاری کند، آیا برکناری او از منصب خود و تعیین فرد دیگری برای تصدی تولیت وقف جایز است؟

مجرد کوتاهی و سهل انگاری در اداره ی امور وقف مجوز شرعی برای برکناری و عزل متولی منصوب و تعیین فرد دیگری به جای او نیست، بلکه باید در این رابطه به حاکم مراجعه کرد تا او را وادار نماید که کارهای وقف را انجام دهد و اگر الزام او ممکن نباشد از وی بخواهد که وکیل صالح را برای اداره ی امور وقف از طرف خود انتخاب کند و یا اینکه خود حاکم فرد امینی را به او ضمیمه نماید.

38. ولایت تصرف برای حفظ و تعمیر و اصلاح و جمع آوری نذورات و تبرعات مرقد های فرزندان ائمه علیهم السلام که در شهرها و روستاهای ایران هستند و سال های زیادی بر آنها گذشته و وقف خاص هم نیستند و متولی خاصی

هم ندارند، با چه کسی است؟ آیا کسی حق دارد مالکیت زمین مرقد و حرم فرزندان ائمه علیهم السلام را که از زمان های قدیم محل دفن اموات بوده، ادعا کند؟

باسمه تعالی

تولیت بقاع مبارکه و اوقاف عام که متولی خاصی ندارند با حاکم و ولی امر مسلمین است و این تولیت در حال حاضر به نماینده ولی فقیه در اداره ی اوقاف و امور خیریه واگذار شده است و زمین صحن و مرقد فرزندان ائمه علیهم السلام و حرم ایشان که از زمان های گذشته برای دفن اموات مسلمانان در نظر گرفته شده، حکم وقف عام را دارد مگر آنکه خلاف آن از طریق شرعی نزد حاکم ثابت شود.

39. آیا جایز است اداره ی اوقاف جمهوری اسلامی متولی وقف را برکنار کند؟ و در صورتی که جایز باشد شرایط آن چیست؟

باسمه تعالی

اداره ی اوقاف به مقداری که مقررات قانونی به او اجازه می دهد حق دارد در وقف هایی که متولی خاصی دارند، دخالت نماید.

ص: 48

40. اگر فردی برای روشن شدن تخلف موقوفه ای تلاش کند، ولی اداره ی اوقاف با او همکاری نکند وظیفه ی شرعی این فرد چیست؟

باسمه تعالی

موارد را به صورت مستند به مقامات بالاتر گزارش نماید.

41. با توجه به اینکه اداره ی اوقاف مسئولیت درآمد زیارتگاه ها و مغازه های مساجد را به عهده دارد، آیا هیئت امنای مسجدی می توانند وجود مغازه های مسجد را کتمان نموده، به اطلاع اداره ی اوقاف نرسانند و بدون هماهنگی با اوقاف درآمد حاصله را خرج کنند؟

باسمه تعالی

امر وقف با متولی شرعی آن است و غیر متولی حق دخالت ندارد.

ص: 49





صرف عواید موقوفه برای تعمیر و بازسازی آن جایز، بلکه واجب است.

هزینه ها و مخارج موقوفه قبل از اجرای نیت کسر می شود و بقیه صرف وقف خواهد شد.

در صورت عدم امکان اجرای نیت در یک محل، در محل دیگر اجرای نیت شود. کا سپرده گذاری عوائد متعذر المصرف در حساب پس انداز و دریافت سود آن با شرایطی جایز است.

در صورت عدم امکان مصرف درآمد موقوفه در اجرای نیت، حفظ آن تا حصول یأس واجب است. کا مصرف عواید امامزاده و مسجدی که بر اثر سیل به طور کلی محو شده اند در صورت دارد: یا از مشایخ و معمرین، جای مشهد امام زاده و مسجد را بپرسند تا عوائد در راه تجدید بنا و احتیاجات همان جا مصرف شود و اگر محل به هیچ نحو قابل شناسایی نیست عوائد موقوفه را صرف کارهای خیر و از جمله امامزاده های مجاور و مساجد محل نمود.

در صورتی که عمل به وقف ممکن نیست مصرف عواید متعذر المصرف مربوط به کاروانسرای سابق در مطلق خیرات از جمله مخارج مسجد، زیر نظر متولی شرعی جایز است.

استفاده از موقوفات مدرسه توسط سایر اساتید و طلاب، در صورت نبود افراد واجد شرایط با نظر متولی شرعی جایز است.

تغییر محل مصرف عواید موقوفه، جایز نیست و به هر طور وقف شده باید به همان طور عمل شود.

تعمیر و بازسازی حسینیه و مسجد از عواید مربوط به روضه خوانی و عزاداری جایز نیست.

کمک به زوار امام رضا علیه السلام از محل عواید مربوط به زوار امام حسین علیه السلام جایز نیست.

عواید موقوفه هر حسینیه باید صرف همان حسینیه شود.

پرداخت دیه و خون بها از محل عواید مربوط به مجالس عزاداری جایز نیست.

استفاده غیر طلبه از حوزه علمی که وقف خصوص طلاب علوم دینی و تدریس و تحصیل در آن باشد، جایز نیست.

مصرف عواید موقوفه روضه خوانی برای اطعام بدون روضه خوانی جایز نیست.

تخفیف مال الاجاره موقوفه به خانواده ی شهدا و ایثارگران جایز نیست و از وقف باید در همان جهت وقف استفاده شود و تغییر ندهند.

مصرف آب برخلاف وقف جایز نیست.

مصرف منافع موقوفه در غیر جهت وقف موجب ضمان است.

در صورت عدم تعیین محل مصرف عواید، در محل دیگری می شود اجرای نیت کرد.

هزینه کردن عواید موقوفات مجهول المصرف احکام مختلفی دارد.

اگر کیفیت تقسیم عواید موقوفه، بین موقوف علیهم مجهول باشد، بالسویه تقسیم می گردد.

اعیان احداث شده از محل عواید وقف، موقوفه هستند که باید درآمد آن در همان جهت وقف موقوفه ی اولی صرف شود.

اگر درآمد موقوفه به دلیل تلاش متصرفین زیاد شود، سهم درصدی موقوفه براساس درآمد فعلی خواهد بود، نه منافع قدیم.

مصرف اجاره بها در جهت وقف توسط مستأجر با نظر متولی شرعی جایز است.

در صورت عدم تعیین محل مصرف عواید، در هر مکان می شود اجرای نیت کرد.

ص: 54



42. در وقف نامه مکان مصرف منافع مورد وقف در همان روستا ذکر شده، بنا بر حوادثی که پیش آمده، آیا مصرف منافع مورد وقف در غیر محل جایز است یا خیر؟

باسمه تعالی

الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها به هرطور وقف شده باید به همان طور عمل شود و تغییر جایز نیست، والله العالم.

43. موقوفه ای است که مصرف آن کمک به زواری است که عازم کربلای معلی باشند. به لحاظ اینکه سال ها است مصرف این موقوفه معطل مانده، مستدعی است اجازه فرمایند از باب اقرب به نظر واقف عواید مذکور موقتا به زوار امام رضا علیه السلام کمک شود.

باسمه تعالی

با امکان عمل به وقف ولو به مصرف در زواری که فعلا به کربلا مشرف می شوند (در صورت موافقت با جهت وقف) نباید تغییر دهند.

ص: 55

44. آیا می توان از محل درآمدهای حاصله از موقوفاتی که طبق نظر واقف بایست برای برگزاری مجالس سوگواری حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در ماه محرم و صفر هزینه شود، مبلغی را بابت دیه و خون بهای متولی و اولاد واقف هزینه نمود؟

باسمه تعالی

عوائد وقف باید در جهت وقف صرف شود و صرف در غیر آن جایز نیست، والله العالم.

45. اگر مکانی برای تعلیم و تحصیل علوم دینیه وقف شده باشد، آیا با وجود طلاب مشغول به تحصیل در آن مکان، جایز است افراد عادی و مسافران از امکانات آنجا استفاده کنند؟

باسمه تعالی

اگر آن مکان وقف خصوص طلاب علوم دینی و یا به منظور تدریس و تحصیل علوم دینی در آن باشد، جایز نیست دیگران از آنجا استفاده کنند.

46. توقیرا برخی از متصرفین موقوفات افراد فقیر و بی بضاعت و عیالوار و بعضا از خانواده ی محترم شهدا و ایثارگران هستند. آیا اداره ی اوقاف می تواند بنا بر دلایل فوق طلب موقوفه را در غیر جهت نظر واقف در حق چنین

ص: 56

افرادی ببخشند یا در مال الاجاره موقوفه در این رابطه تخفیفی قائل شود؟

باسمه تعالی

از وقف باید در همان جهت وقف استفاده شود و تغییر ندهند.

47. آبی است که 1/7 آن وقف مسجد و امامزاده است که درآمد و وجه الاجاره آن صرف تعمیرات مسجد و امامزاده بشود آیا جایز است [بدون در نظر گرفتن وجه الاجاره] آن آب را به خانه های روستایی با شهری لوله کشی کرد یا خیر؟

باسمه تعالی

بدون مراعات مصلحت و جهت وقف و نظر متولی شرعی جایز نیست.

ص: 57





## احکام مربوطه در یک نگاه

مجموعه راه های اثبات وقف عبارت اند از:

الف - شهرت: یعنی اینکه بین اهل محل مشهور و معروف به وقف باشد ولو اینکه سند کتبی نداشته باشد.

ب- قاعده ید و اعتراف ذوالید: مالک زمین اعتراف میکند که ساختمان را برای نیت مشخصی وقف کرده است.

ج- عمل به وقف: یعنی احراز شود سابقه ی رفتار با آن محل به عنوان وقف محقق بوده است.

د- شهادت دو عادل.

ه- اثبات در دادگاه .

مجرد سند وقف حجت شرعی بر وقف نیست، بلکه سندی که از آن اطمینان حاصل شود، حجت است.

زمین اگر مشهور به وقفیت باشد، حکم وقف را دارد و سند مالکیت مغایر با شهرت ملاک نیست.

اخذ گواهی مصرف مغایر با نیت واقف ملاک نیست.

وقف بعد از تحقق، برگشت پذیر نیست.

وقف با ترک کشت و زرع منجر به خرابی و بایر و موات شدن، از وقفیت خارج نمی شود.

ص: 60

وقف با صرف نظر کردن موقوف علیه یا موقوف علیهم از حقوق خود، از وقفیت خارج نمی شود.

وقف با قانون تملک اراضی (اصلاحات اراضی در رژیم ستم شاهی) از وقفیت خارج نمی شود.

ص: 61

48. یک سری از اراضی مشهور به اراضی موقوفه هستند، لکن دارای مدرک و سند نیستند یا اگر هم اسنادی هست ناقص است، اولاً آیا شهرت اینگونه اراضی به موقوفات کفایت میکند یا خیر؟ ثانياً آن اراضی که در اختیار متولیان موقوفه و زارعین است و آن را کشت می کنند با توجه به این که هر دو گروه اقرار به وقف می کنند آیا اقرار آنها به وقف در اثبات وقفیت کفایت می کند یا خیر؟

باسمه تعالی

شایع بودن و شهرت به وقف که مفید اطمینان است کفایت می کند و اقرار به وقف بر علیه خود مقررناپذ است.

49. اراضی و باغاتی که شهرت در وقف دارد، هم اکنون به خاطر آن که مدرک کتبی و وقف نامه ای در دست نیست عده ای اصل وقف بودن آن را زیر سؤال برده و می گویند وقف نیست و از پرداخت مال الاجاره به اداره ی اوقاف خودداری می کنند، مستدعی است نظر مبارک را در مورد این اراضی و باغات بیان کنید، خداوند سایه حضرت تعالی را بر سر مسلمین مستدام بدارد.

ص: 62



مدرک وقف نامه میزان نیست، اگر سابقه عمل بروفق وقفیت دارد و یا در بین معمرین و مؤمنین اهل محل اشتهاار به وقفیت دارد حکم و آثار وقف بر آن مترتب است و تصرفات در آن موقوف بر اذن و اجازه متولی شرعی موقوفه است.

50. حد فاصل یک باب منزل موقوفه و منازل شخصی همسایگان دالانی وجود دارد که از قدیم تا به حال به صورت انبار منزل موقوفه مورد استفاده بوده، براساس محدوده ی ثبتی محل مذکور مشکوک است، اکنون برخی از همسایگان مدعی عدم وقفیت محل مذکور هستند و برخی تقاضای خرید آن محل را برای احداث راهرو برای منزل خود دارند، مستدعی است حکم شرعی مسئله را بیان کنید.

باسمه تعالی

وقف قابل خرید و فروش و واگذاری به غیر نیست و با فرض اینکه در گذشته محلی در تصرف وقف بوده و در جهت موقوفه استفاده می شد، محکوم به وقفیت است مگر آن که خلاف آن اثبات شود.

51. املاکی (باغ) است که بیش از صد سال است بین مردم خرید و فروش می شود و اکنون مالکیت آن، که

به نام تعداد زیادی از اهالی آن منطقه می باشد، موجود است. آیا کسی با ارائه ی کپی وقف نامه بدون سند اصلی می تواند مدعی وقفیت این املاک شود؟ در فرض ثبوت وقفیت این املاک در سابق، جایز است این املاک را از متصرفین خارج کرد یا نه؟

باسمه تعالی

اگر از کپی وقف نامه اطمینان به وقفیت زمین حاصل می شود یا شهرت به وقفیت داشته باشد، زمین و املاک محکوم به وقفیت است. بر فرض ثبوت وقفیت واجب است به حال خود برگردد و از وقفیت خارج نشده است و تصرف در آن حکم غصب دارد.

52. چند باب مغازه، چند سال پیش وقف مسجدی شده است، آیا اکنون می توان وقف را برگرداند؟

باسمه تعالی

وقف قابل برگرداندن نیست.

53. در رژیم طاغوت در جریان اصلاحات ارضی موقوفات را اعم از عام و خاص از ید متولیان و ادارات اوقاف و امور خیریه خارج و بدون در نظر گرفتن شرایط موقوفات به زارعین صاحب نسق واگذار گردید،

با توجه به موارد فوق الذکر مورد استفتاء از محضر مبارک

ص: 64

این است که: آیا کسی می تواند با توجه به سند اصلاحات ارضی خود را مالک دانسته، مجدداً موقوفات را وقف و متولی تعیین کند؟

باسمه تعالی

حکم کلی مسئله روشن است که موقوفات باید در جهت وقف و زیر نظر متولی شرعی مصرف شود و تغییر و تبدیل آن و وقف مجددش جایز و صحیح نیست، ولی مسائل نزاعی باید در دادگاه حل شود.

ص: 65





طبق مصلحت وقف و نظر متولی اجاره‌ی وقف منفعت جایز است. براین اساس، اجاره‌ی زمین منفعتی متعلق به مسجد، خانه‌ی منفعتی برای امام جماعت، زمین منفعتی برای ساخت مسجد و حسینیه، زمین وقفی برای ساخت مخابرات، جاده و جوی جایز است.

اگر وقف به صورت وقف انتفاع باشد اجاره‌ی آن صحیح نیست. براین اساس، اجاره‌ی خانه انتفاعی امام جماعت، غسل خانه، وضوخانه، مسجد، حسینیه، مدرسه‌ی علمیه، قبرستان و کاروان سرا جایز نیست.

فروش حق تملک اعیان توسط مستأجر، تابع قرارداد بامتولی شرعی است.

تجدید بنای اعیان مستحدثه توسط مستأجر عرصه‌ی وقفی، بدون اجازه‌ی متولی جایز نیست.

خرید و فروش سرقفلی ملک موقوفه با نظر متولی شرعی و رعایت مصلحت و نفع وقف جایز است.

ثمن حاصل از فروش سرقفلی جزو درآمد موقوفه است.

وقف سرقفلی، محل اشکال است، لکن نگهداری این حق و استفاده از درآمد آن در راه خیر مانعی ندارد.

سابقه‌ی اجاره موجب حق برای مستأجر و استحقاق تخفیف در اجاره بها نمی‌شود و متولی شرعی موظف است

در تجدید قرارداد اجاره با ملاحظه غبطه و مصلحت وقف، اجاره بهای عادلانه تعیین و مطالبه کند. کاس مستأجر که حق سرقفلی ندارد، نمی تواند بابت سرقفلی از دیگران وجه دریافت کند و از مستأجر جدید سرقفلی بگیرد.

اگر مستأجر مدت باقی مانده را با اخذ سرقفلی به غیر اجاره دهد، مستأجر جدید بعد از پایان مدت حقی از موقوفه ندارد.

حق کسب و پیشه و دسترنج در شرع الزامی نیست، مگر قانونی در این رابطه باشد که مراعات آن لازم است و فروش و نقل و انتقال حق کسب و پیشه تابع مقررات است.

اگر متولی فوت کند، پس از اتمام مدت اجاره برای تعیین تکلیف باید به متولی جدید مراجعه شود.

تعیین اجاره بها موقوفه با نظر متولی و رعایت غبطه وقف است.

تخفیف اجاره بها برای امور فرهنگی و دینی و خانواده شهدا جایز نیست.

اشتراط واگذاری اعیان مستحدثه به متولی یا موقوفه جایز است.

اگر مستأجر اعیانی را از مال خودش احداث نکرده باشد، مالک اعیانی نمی شود.

نماز مستأجر در موقوفه استیجاری بعد از پایان اجاره

بدون اذن متولی، باطل است.

اجاره زمین موقوفه توسط متولی یا خویشان او جایز است.

واگذار کردن مورد اجاره توسط مستأجر به شخص دیگر بدون اذن متولی، جایز نیست.

اجاره ی موقوفه مسلمانان توسط غیر مسلمان جایز است.

شرط افزایش اجاره بها در صورت عدم تخلیه موقوفه جایز است.

اجاره دادن موقوفه به بیش از مدت زمان تعیین شده از طرف واقف جایز نیست.

در صورت فوت مستأجر، حقوق مکتسبه ی وی به ارث می رسد.

ص: 70



54. قسمتی از اراضی محل که برای مصارف خاصی قبلاً وقف گردیده، اخیراً یک نفر بانی خیر به لحاظ نیاز و ضرورت و اهمیت موضوع، حاضر شده با پرداخت قیمت مناسب اراضی مذکور را تصرف و برای ساخت کتابخانه و تأسیسات فرهنگی، به شدت مورد نیاز این محل است وقف نماید. مستدعی است اجازه ی امر را صادر فرمایند.

باسمه تعالی

اراضی مذکوره در همان جهتی که از اول وقف شده باید مورد استفاده قرار گیرد و انتفاع از آنها در غیر جهت وقف جایز نیست؛ ولی طبق مصلحت وقف و نظر متولی، اجاره دادن زمین هایی که وقف منفعت باشد و نه وقف انتفاع و صرف عواید آن در جهت وقف، مانعی ندارد؛ ولی لازم است به گونه ای باشد که وقف بودن زمین ها برای کتابخانه فراموش نشود و در هر صورتوقف مجدد صحیح نبوده و باطل است.

55. قطعه زمینی از طرف جد ما وقف سیدالشهداء علیه السلام شده است که نیت بر این بوده است که مقدار سی کیلوگرم حاصله از این زمین در ایام محرم صرف عزاداری

ص: 71

اباعبدالله الحسین علیه السلام شود؛ اما این زمین فعلاً وسط روستا قرار گرفته و هیچگونه استفاده ای از آن نمی شود، با توجه به اینکه زمین موقوفه وسط محل واقع شده است، مردم روستا به دلیل عبور و مرور می خواهند مسیر جاده را اجاره کنند و سالانه مقدار موقوفه را پرداخت نمایند.

باسمه تعالی

بستگی به چگونگی وقف دارد، اگر به طور کلی وقف سیدالشهداء علیه السلام نموده باشد، اجاره دادن آن و صرف وجوه در مسیر وقف مانع ندارد.

56. وضوخانه ای خراب شده و مربوط به مسجد است، شخصی در رژیم گذشته وضوخانه را از اداره اوقاف اجاره کرده است، آیا این نوع اجاره که ملک وقف برعموم است، چه در آن زمان و چه در این زمان، صحیح است یا خیر؟

باسمه تعالی

در موارد وقف انتفاع مثل مورد سؤال اجاره صحیح نیست.

57. شخصی زمینی را صد سال قبل برای دفن اموات مسلمین وقف نموده و دفن اموات صورت گرفته؛ ولی در زمان رژیم منحوس پهلوی قسمتی از آن زمین را شهرداری و قسمتی دیگر را شهربانی وقت تصاحب نموده است. در

ص: 72

قسمت دوم نیروی انتظامی با توجه به تصرف شهربانی سابق به تازگی اقدام به ساخت و ساز می نماید و خود به وفاقیت زمین معترف است، بیان فرمایید آیا می شود با شهرداری و نیروی انتظامی قرارداد اجاره منعقد کرد و وجه الاجاره را صرف مایحتاج قبرستان نمود یا خیر؟

باسمه تعالی

در فرض مرقوم، انعقاد اجاره صحیح نیست.

58. اینجانب در سال گذشته اقدام به خرید سرقتی یک باب مغازه به صورت قولنامه نموده ام و پس از خرید متوجه شدم ملک این مغازه وقف حضرت صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه است. با توجه به اینکه اینجانب از مقلدین حضرت تعالی هستم خواهشمندم به دو سؤال بنده جواب دهید. اول: پولی که بنده به عنوان سرقتی به شخصی که سرقتی این مغازه را داشته پرداخت نموده ام آیا بنده را محق این سرقتی می نماید؟

دوم: درآمدی که از این مغازه عاید بنده می شود چه صورت فقهی دارد؟

باسمه تعالی

اگر بانظر متولی شرعی با مراعات جهت وقف عمل شود، هم سرقتی و هم عوائد آن اشکال ندارد، والله العالم.

ص: 73

59. شخص بلاوارثی در زمان حیات خود کلیه اموال منقول و غیر منقول خود را وقف بر مصارف عامه می نماید و به آن عمل شده و می شود، از موارد وقف یکی سرقفلی مغازه ی ایشان است که مالکیت آن به دیگران تعلق دارد اکنون جهت رفع کدورت میان مالک و متولی بیان فرمایند آیا سرقفلی مغازه می تواند مورد وقف قرار گیرد یا نه؟

ضمن اینکه بهای سرقفلی توسط واقف مرحوم به مالک پرداخت شده است.

باسمه تعالی

وقف سرقفلی محل اشکال است، لکن نگهداری این حق و استفاده از درآمد آن در راه خیر مانعی ندارد.

60. مستأجرین موقوفات به استناد اینکه سال های متمادی سابقه ی تصرف در رقبه های وقف را دارند، اجاره ای ناچیز و کمتر از نرخ عادلانه روز به اوقاف پرداخت می کنند، آیا صرف سابقه ی استیجار برای مستأجرین موقوفات تا چه حد ایجاد حق نموده که جزء حقوق مکتسبه محسوب گردد؟

باسمه تعالی

مجرد سابقه ی استیجار موجب استحقاق تخفیف در اجاره بهاء موقوفه نیست و متولی شرعی موظف است در

ص: 74

تجدید قرارداد اجاره با ملاحظه غبطه و مصلحت وقف، اجاره بهاء عادلانه تعیین و مطالبه نماید.

61. مزرعه موقوفه یا قطعه زمین موقوفه کشاورزی که آب قنات آن مزرعه خشک شده باشد و زمین های موقوفه به صورت مسلوب المنفعه درآمده باشند، چنانچه اداره ی اوقاف یا متولی بخواهند آنها را درآمدزا نمایند، آیا مستأجرین قبلی که بعضا سالیان درازی روی زمین های موقوفه زحمت کشیده اند، حقی به نام دست رنج دارند یا خیر؟

باسمه تعالی

چنین حقی در شرع ثابت نیست؛ ولی اگر دولت اسلامی در این باره مقرراتی داشته باشد باید مراعات شود، والله العالم.

62. آیا شخصی که روی زمین موقوفه به کشت و زرع مشغول است می تواند آن را بفروشد یا بعد از فوت می تواند وراثت بین خود تقسیم کنند؟

باسمه تعالی

فروش و تقسیم موقوفه جایز نیست؛ ولی نقل و انتقال حق کسب و پیشه بر روی زمین تابع مقررات اداره ی اوقاف و به مصلحت وقف باید صورت پذیرد.

ص: 75

63. وقف در اسلام دارای اهمیت قابل توجهی است؛ اما متأسفانه متصرفین موقوفات مال الاجاره واقعی موقوفات را پرداخت نمی کنند، آنچه در بازار به عنوان مال الاجاره می دهند بسیار کمتر از اجاره ی واقعی ملک است و تمام بحث بر سر این است که شرعاً تعیین مال الاجاره موقوفات به عهده چه کسی است؟

باسمه تعالی

تعیین مال الاجاره موقوفات موکول به نظر متولی وقف و رعایت غبطه و مصلحت موقوفه می باشد.

64. شخصی املاک خود را وقف نموده تا درآمد آنها در موارد خاصی از کارهای خیر مانند کمک به سادات و اقامه ی مجالس عزاداری مصرف شود و در حال حاضر با افزایش قیمت اجاره ی آن املاک، که جزء منافع وقف است، بعضی از مؤسسات یا اشخاص به دلیل عدم وجود امکانات در آنها یا دلایل فرهنگی یا سیاسی یا اجتماعی یا دینی خواهان اجاره ی ملک موقوفه به قیمت ناچیز هستند، آیا جایز است مدیریت اوقاف آنها را به قیمتی کمتر از قیمت روز اجاره دهد؟

باسمه تعالی

بر متولی شرعی و مسئول اداری امور وقف واجب است در اجاره دادن به کسی که خواهان آن است و در تعیین

ص: 76

مبلغ اجاره رعایت مصلحت و منفعت وقف را بنماید، در نتیجه اگر در تخفیف مبلغ اجاره به سبب اوضاع و احوال خاص مستأجریا اهمیت کاری که وقف برای آن اجاره داده می شود، نفع و مصلحت وقف باشد اشکال ندارد والا جایز نیست.

65. برخی از متصرفین موقوفات افرادی بی بضاعت و فقیر و عیالوار و بعضا از خانواده ی محترم شهدا و ایثارگران هستند، آیا اجازه می فرمائید اداره ی اوقاف در این رابطه در غیرنظر واقف در مال الاجاره موقوفه تخفیفی قائل شود؟

باسمه تعالی

تعیین مال الاجاره موقوفه باید با مراعات غبطه و مصلحت وقف و به نرخ عادلانه باشد و زیر نظر متولی شرعی موقوفه و در جهت وقف صرف شود.

66. آیا مستأجری که به موقع اجاره بهای رقبه مورد اجاره خود را پرداخت نمی نمایند و موجبات عدم اجرای به موقع نظر واقف می شوند فرایض دینی آنها در این رقبات اشکال شرعی دارد یا خیر؟

باسمه تعالی

اگر با عقد اجاره صحیح زیر نظر متولی شرعی موقوفه و صلاح وقف زمین در اختیار مستأجرین قرار گرفته و

ص: 77

مدت اجاره باقی باشد، فرائض دینی آنها در ملک مورد اجاره بلامانع است هرچند واجب است اجرت موقوفات را به موقع پرداخت نمایند.

67. اینجانب چون وضعیت مالی زیادی نداشتم تا بتوانم زمین مسکونی خریداری نمایم به اداره‌ی اوقاف و امور خیریه مراجعه نمودم و یک قطعه زمین را به صورت اجاره تصرف و در آن احداث بنا نموده‌ام؛ ولی هرکس می‌رسد ما را دلسرد میکند و می‌گوید چون زمین موقوفه است شما در آن نماز ندارید، استدعا دارم ما را راهنمایی کنید وظیفه‌ی بنده در این قبال چیست و ما را از این فکر بیرون آورید.

باسمه تعالی

اگر طبق مقررات اداره‌ی اوقاف واگذار شده و شما هم به قراردادتان عمل می‌کنید، تصرف در آن از جمله نماز مانعی ندارد.

ص: 78





## احکام مربوطه در یک نگاه

موارد مصرف ثمن حاصل از فروش موقوفه:

با ثمن بیع موقوفه باید ملک دیگری خریداری و در همان جهت وقف اول، وقف شود.

با ثمن بیع کتاب های وقفی باید کتاب و با ثمن بیع فرش مسجد باید فرش خریداری شود.

احکام مرتبط با بیع:

با امکان استفاده از وقف ولو با اجاره دادن آن، تبدیل و معاوضه موقوفه جایز نیست.

تا در بیع باطل مربوط به موقوفه، فروشنده ضامن ثمن خریدار است.

موارد ممنوعیت فروش عین موقوفه و تجهیزات آن:

فروش عین موقوفه و تجهیزات آن در اغلب موارد جایز نیست؛ مانند:

- زمین مشاعی وقفی

- رقبه وقفی مسجد؛

- حسینیه، فاطمیه و زینبیهی وقفی؛

- زمینی که برای ساخت حسینیه وقف شده؛

- مکتب خانه مخروبه، سقاخانه و کاروان سراء

- اراضی، چنارزار و درختان وقفی؛

ص: 80

- زمینی که برای ساخت غسل خانه یا گورستان وقف شده؛

- فروش از خوف تصرف عدوانی (قانون اصلاحات اراضی)؛

- فروش موقوفات پراکنده به جهت تجمیع آنها؛

- فرش، موکت، رادیو، ضبط، ساعت دیواری، پرده، ظروف مسی، کاسه و ... مربوط به مسجد و حسینیه با امکان استفاده از آنها و لو در مسجد و حسینیه دیگر؛

- آهن و مصالح ساختمانی مسجد.

موارد جواز فروش عین موقوفه و تجهیزات آن:

فروش عین موقوفه و تجهیزات آن در مواردی که به هیچ وجه قابل استفاده نباشد جایز است؛ مانند:

- وقف خاص در صورتی که انتفاع از وقف در جهت وقف ممکن نیست.

- اراضی وقفی در صورتی که استفاده از آن در جهت وقف ولو با اجاره دادن و صرف منافع آن در جهت وقف ممکن نباشد.

- باغ وقف حضرت سیدالشهداء عالی که به هیچ وجه قابل استفاده در جهت وقف نیست.

- خاک اضافی زمین وقفی که مانع استفاده از زمین های موقوفه است.

- تبدیل به احسن یا فروش نخل های وقفی غیر قابل استفاده در جهت وقف.

- فروش یا تبدیل به احسن فرش مسجد یا امام زاده و لودر مسجد و امام زاده ی دیگر غیر قابل استفاده باشد.

- تبدیل به احسن دیگ های مسی.

- اجناس مستهلک مسجد و حسینیه به شرطی که در خود آن دو و مسجد و حسینیه های دیگر به هیچ وجه قابل استفاده نباشد.

- قرآن یا کتب وقفی غیر قابل استفاده .

- خرید زمینی که مشکوک به وقف است صحیح است.

فروش موقوفه در موارد استثنایی جایز است.

فروش موقوفه در صورت شرط ضمن وقف توسط واقف، جایز است.

ص: 82

68. اگر ملکی را وقف بر اشخاص سازند و موقوف علیهم ناچار به فروش موقوفه گردید، مانند آن که موقوفه مورد نیاز حتمی دولت جمهوری اسلامی ایران برای منافع کشور باشد و موقوف علیهم را ملزم به فروش موقوفه کنند، آیا موقوف علیهم باید با پول آن ملک دیگری را خریداری کرده، آن را عوض موقوفه وقف نمایند، یا لازم نیست و می توانند از آن استفاده کنند؟ و اگر موقوف علیهم ملزم به فروش نشود، ولی نتوانند از موقوفه به صورت موقت یا دائم استفاده کنند و از این بابت پولی دریافت نمایند، آیا باید با آن پول ملک دیگری تهیه کرده، عوض موقوفه وقف سازند یا لازم نیست و می توانند از آن استفاده کنند؟ آیا در این حکم زمین و قنوات یکسان اند یا خیر؟

باسمه تعالی

باید با آن پول ملک دیگری را خریداری و در همان جهت وقف اول وقف نمایند.

69. مسجد امیرالمؤمنین علیه السلام دارای فرش است که بسیار مستعمل و تقریباً فرسوده است و برای استفاده در مسجد مفید نیست، ولیکن دارای ارزش ریالی بالا حدود

ص: 83

بیش از دو میلیون تومان است، لطفا بفرمایید:

با توجه به اینکه فرش وقفی است آیا فروش آن جایز است؟

باسمه تعالی

اگر قابل استفاده است فروش آن جایز نیست.

70. قطعه زمینی حدود چهارصد مترمربع که سابقا دارای چند درب اتاق مسکونی وقف مسجد بوده، ولی فعلا خراب شده و این زمین به واسطه ی خراب شدن ساختمان و از بین رفتن اتاق ها معطل مانده که قابل درآمد نیست.

آیا اجازه می فرمایید نصف از این زمین فروخته شود و در نصف دیگر زمین که ساختمان قبلی بنا شده بود ساختمان جدیدی احداث شود یا نه؟

باسمه تعالی

در فرض مذکور که زمین وقف و متعلق به مسجد است، فروشکل یا بعض آن جایز نیست.

71. فاطمیه ای ساخته شده، ولی حالا خیلی کوچک است، از این رو معتمدین محل بنا دارند فاطمیه ای بزرگ درست کنند از نظر اهالی به مصلحت است که فاطمیه حاضر را بفروشند و با مبلغی بیشتر بتوانند فاطمیه ی بزرگ تری درست کنند، نظر مبارک شما در این مورد را مرقوم بفرمایید.

ص: 84

اگر فاطمیه وقف است، فروش آن جایز نیست.

72. قبرستان قدیمی در محله ای وجود دارد که حدود 29 سال هیچ میتی در آن به خاک سپرده نشده و اکنون بخشی از این قبرستان در معرض جاده عمومی قرار گرفته و بقیه به شکل محل عبور درآمده است، آیا اجازه می دهید جهت استفاده ی مطلوب تر، قبرستان مذکور فروخته شود و پول آن در قبرستان اصلی محل یا ساخت حسینیه محل استفاده گردد؟

باسمه تعالی

قبرستان قابل فروش نیست.

73. پدر بزرگ اینجانب قطعه زمینی را بر اولاد ذکور خود وقف نموده و علت آن ظاهراً این بوده است که چون رژیم گذشته قصد داشتند زمینها را تصرف کنند و ایشان روحانی محل بوده اند، زمین را وقف اولاد خود نموده اند، آیا امروز ما می توانیم زمین مزبور را بفروشیم یا در آن احداث بنا نماییم؟

باسمه تعالی

اگر زمین وقف است باید مطابق وقف عمل شود و احداث بنا در آن با نظر متولی شرعی و مراعات جهت وقف مانع ندارد، ولی فروش وقف جایز نیست، والله العالم.

74. روستایی دارای مقداری اراضی وقفی است که نظربه پراکندگی، بازده آن اندک است؛ لذا متولیان و متصدیان قصد تبدیل و تعویض و یکی نمودن این اراضی به منظور بازده بهتر را دارند؛ آیا اجازه می فرمایید؟

باسمه تعالی

مورد ذکر شده مجوز تبدیل و تعویض موقوفه نمی باشد.

75. ده عدد فرش چهار متری وقف مسجد جامع گردیده و تا به حال فرش ها در مسجد بوده، حالا مسجد را اهالی خراب کرده، می خواهند از نو بسازند، آقایان معتمدین محل و امام جمعه می گویند این فرش ها را با نظر خیره بفروشیم و پولش را برای مسجد خرج کنیم به عنوان امانت بعد از ساخته شدن مسجد فرش بگیریم و به مسجد بیندازیم، آیا می شود فرش ها را فروخت و برای مسجد خرج کرد یا نه؟

باسمه تعالی

اگر فرشها وقف مسجد است، با امکان استفاده از آن فروش آن صحیح نیست، والله العالم.

76. اگر کسی چیزی را از قبیل فرش، رادیو، ضبط، ساعت دیواری و پرده وقف مسجدی نماید، آیا می توان بدون اجازه و دخالت آن شخص مورد وقف شده را فروخت و صرف دیگر مخارج مسجد کرد؟

ص: 86



باسمه تعالی وقف قابل خرید و فروش نیست.

77. حسینیه قدیمی دارای مقداری وسایل پذیرایی از قبیل: بشقاب های مسی، کاسه ی آبخوری برنجی، دیگ های مسی و لوازم دیگر است که هم اکنون چند سال است مورد استفاده قرار نمی گیرد و در معرض اتلاف است و تعمیر و نگهداری آن مقرون به صرفه نیست، ملزومات فوق الذکر به وسیله ی افراد محلی وقف سید الشهداء یا به صورت نذر در اختیار حسینیه قرار گرفته است، اکنون اگر اجازه بفرمایید یکجا به فروش رفته، وجه آن صرف خرید ملزومات جدیدی که همان مصارف را دارد بشود، ضمناً چون اینجانب به عنوان روحانی محل مسئول امورات شرعیه روستای مذکور نیز هستم درخواست اجازه می نمایم.

باسمه تعالی

نمی توانند بفروشند و اگر امکان استفاده از آن در همان حسینیه هست باید همان جا از آن استفاده کنند، بلی اگر امکان ندارد به حسینیه دیگر که امکان دارد ببرند و بنابر احتیاط سعی کنند به الاقرب فالأقرب ببرند.

78. رقبات موقوفه از قبیل نخل و اراضی دیمی تقریباً فاقد درآمد گردیده و هزینه ی آن بیش از درآمد آن است و

ص: 87

به دلیل نداشتن درآمد سال ها است که نیت واقف تقریباً تعطیل شده است.

از آن مقام معظم تقاضا نمودیم اجازه فرمایند با فروش این رقبات و خرید رقبات جدید و تبدیل به احسن موقوفه اقدام نموده، در جهت نیت واقف به مسجد موقوفه کمک کنیم.

باسمه تعالی

در صورتی که املاک موقوفه مذکوره منفعت معتد به ندارد فروش و صرف ثمن آن در خرید چیزی که دارای منفعت باشد اشکال ندارد و صرف درآمد حاصله از آن در ساخت و ساز مسجد، بلا مانع می باشد.

79. شخصی یک تخته فرش به مسجد اهدا نموده و اکنون این فرش در مسجد بلا استفاده مانده است.

آیا می توان آن را فروخت و مبلغ حاصل آن را در موارد دیگر مسجد صرف کرد؟

باسمه تعالی

اگر استفاده از آن در همان مسجد به هیچ وجه امکان ندارد در مسجد دیگری بهره برداری کنند و اگر آن هم امکان ندارد در مصالح عامه از آن استفاده نمایند و اگر بهره برداری از آن ممکن نیست مگر به فروش آن، می توانند بفروشند و پول آن را به همان نحو ترتیب که گفته شد مصرف کنند.

ص: 88

80. مقدار زیادی کاسه مسی مربوط به حسینیه روستا است که قابل استفاده نیست و استفاده از آنها معمول نیست تکلیف ما در این مورد چیست؟

باسمه تعالی

چنانچه آن ظرف ها در آن حسینیه که برای آن وقف شده، قابل استفاده نباشد و در حسینیه های دیگر هم قابل استفاده نباشد، می توانید آن را با ظرف های قابل استفاده مبادله نمایید.

81. آیا اجناس مستهلک مسجد را می توان فروخت از درآمد حاصله آن در خرید اجناس مورد نیاز یا ساخت بنای مسجد هزینه کرد؟

باسمه تعالی

اگر در خود آن مسجد و مساجد دیگر به هیچ وجهی قابل استفاده نباشد، فروش آن مانع ندارد.

82. این کتاب خانه دارای کتاب هایی است که کاربرد ندارد اعم از اینکه بسیار فرسوده، دارای محتوای قدیمی و بدون متقاضی است. محل تأمین کتاب های فوق وقف، هدیه یا خریداری شده است. براساس دو فرض فوق، مبادله این کتاب ها با کتاب یا اهدا به مناطق محروم با فروش به تشخیص مسئول کتاب خانه چه حکمی دارد؟

ص: 89

اگر وقف بودن کتاب های مورد سؤال، محرز باشد، در صورت عدم امکان استفاده از آن ولو در کتاب خانه های دیگر تبدیل به کتاب های دیگر با نظر متولی شرعی مانعی ندارد، ولی اگر هدیه یا خریداری شده باشد و وقف برای کتاب خانه نشده باشد، فروش و تبدیل آن به کتاب های دیگر مانعی ندارد.

83. زمینی در این محل وقف بر حوزه علمیه گردیده، اکنون شهرداری برای تعریض خیابان می خواهد مقداری از این زمین را بخرد، مستدعی است حکم الله را بیان فرمایید.

خرید و فروش وقف جایز نیست مگر در موارد خاصی که در کتب مربوطه مذکور است، والله العالم.



### 1. تغییر وقف بعد از قبض

تغییر وقف پس از قبض در اغلب موارد جایز نیست؛ مانند:

تغییر مدرسه علمیه به مسجد، کانون قرآن و کتاب خانه؛

تغییر دارالتعلیم قرآن به پایگاه ورزشی؛

ساختن خانه ی معلم و ...

در زمین وقف شده برای دبیرستان دخترانه و بهره برداری از مدرسه در غیر جهت وقف؛

احداث درب بین دو مغازه ی وقفی بدون اذن متولی؛

تغییر حمام وقفی مخروبه و متروکه به منزل مسکونی و خانه ی جوان؛

تبدیل قسمتی از قبرستان به حسینیه؛

تغییر حسینیه و موقوفات منفعتی به مسجد و کتاب خانه؛

ساخت مغازه روی سقف حسینیه به منظور کسب درآمد برای تأمین هزینه های جاری حسینیه؛

بهره برداری از حسینیه برای فعالیت پایگاه مقاومت بسیج در بخشی از سال؛

تغییر حسینیّه به پایگاه بسیج و صندوق قرض الحسنه و محل برگزاری کلاس های قرآن و...؛

تغییر وقف ولو به دلیل مصالح دولت و ملت.

تغییر وقف به دلیل عدم امکان استفاده به منظور وقف، به عنوان مطلق وجوه بر جایز است؛ مانند:

تغییر مهدکودک موقوفه ی غیر ممکن برای ادامه ی فعالیت به مکانی برای نگهداری کودکان بی سرپرست؛

تغییر آب انبار متروکه و مخروبه غیر قابل انتفاع برای توسعه ی مسجد و احداث کتاب خانه؛

تغییر آب انبار و حمام مخروبه غیر قابل انتفاع به درمانگاه و مجتمع فرهنگی؛

الحاق حمام قدیمی و متروکه غیر قابل انتفاع و استفاده به مسجد و حسینیّه؛

استفاده در مطلق امور خیر از زمین حسینیّه و غسل خانه ی وقفی غیر قابل انتفاع و استفاده؛

تغییر زمین وقفی غیر قابل انتفاع به حسینیّه؛

الحاق حسینیّه و تکایا به مسجد.

حمامی موقوفه به یک جایز است

تغییر وقف منفعتی به دلیل عدم امکان استفاده در جهت وقف، به منفعتی دیگر جایز است؛ مانند:

اراضی موقوفه به کارخانه با صلاحدید متولی؛ ها حمام منفعتی به ساختمان درآمدزا.

## 2. تخریب، تعمیر و نوسازی موقوفه

تخریب آب انبار قابل استفاده، جایز نیست؛

تخریب حسینیه برای نوسازی جایز است؛

تخریب موقوفه به دلیل ضرورت قرار گرفتن در طرح های عمرانی و راه ها جایز است. برای تصرف در آن باید از متولی شرعی اجاره شود و مال الاجاره هم باید به او پرداخت گردد تا آن را در جهت وقف مصرف کند.

## 3. استفاده ضمنی از موقوفه در کنار اجرای نیت واقف

استفاده از انبار زیرتکیه برای آموزش ورزش های رزمی جایز نیست؛

دفن میت در حسینیه جایز نیست؛

استفاده از حسینیه برای فعالیت های بسیج جایز نیست؛

برگزاری جشن میلاد ائمه در حسینیه جایز است؛

جواز برگزاری جشن عروسی در حسینیه و استفاده از لوازم و ظروف آن مشروط به نحوه انعقاد نیت و جهت وقف است؛

قرار دادن ماکت ضریح امام حسین علیه السلام در حسینیه به شرط عدم مزاحمت در بهره برداری از حسینیه جایز است.



#### 4. تبدیل موقوفه منفعتی به انتفاعی و عکس

تبدیل وقف انتفاعی به منفعتی جایز نیست؛

تبدیل کاروان سرای منفعتی به حسینیة جایز نیست.

#### 5. غصب موقوفه

غصب و تصرف موقوفه و استفاده در غیر جهت وقف، موجب ضمان عین و منفعت است؛

تصرف در موقوفه بدون اذن متولی شرعی جایز نیست و حکم غصب را دارد؛

احداث اعیان غیر مجاز در زمین وقف جایز نیست؛

نماز متصرفین غیر مجاز در صورت آگاهی باطل است؛

وظیفه عموم مسلمین در مورد غصب موقوفه نهی از منکر است؛

تصرف غیر مجاز دستگاه های دولتی در موقوفات به صورت حفر چاه و ایجاد شبکه لوله گذاری در اراضی و املاک و هرگونه تصرف

مستأجر برخلاف شروط و... موجب ضمان است؛

ضمانت در قبرستان وقفی ثابت نیست؛

متصرف موقوفه در طرح های عمرانی ضامن است؛

متصرف گندم زار وقفی باید گندم بدهد؛

استفاده کننده از امکانات حوزه ی علمیه بدون اجازه متولی ضامن است.

## 6. احکام مرتبط با تغییر و تبدیل

تغییر و تبدیل وقف قبل از قبض جایز است؛

در صورت اعتراض به عملکرد اداره ی اوقاف به مراجع قانونی مراجعه شود؛

جلد کردن و تعمیر قرآن وقفی به اذن حاکم شرع نیاز ندارد؛

خارج کردن کتب وقفی از حوزه ی علمیه بدون اجازه ی متولی جایز نیست؛

قرآن های قدیمی تا چندی که در جهت وقف قابل استفاده باشد، باید استفاده شود؛

انتقال کتب کتابخانه ای به کتاب خانه دیگر اگر وقف خاص آن کتاب خانه باشد جایز نیست؛

در صورت فروش اموال مجهول المالک، باید به فقیر صدقه بدهند و صرف آن برای حسینیه جایز نیست؛

اگر وقفیت حمام عمومی محرز نباشد، تبدیل آن به مسجد یا حسینیه جایز است.

84. اگر کسی زمینی را برای ساخت دبیرستان دخترانه وقف نماید، آیا میتوان در آن جا چیزی دیگری مثلا خانه ی معلم با مدرسه ی دیگر درست کند؟

باسمه تعالی

اگر زمین موقوفه را تحویل داده باشد باید بر طبق وقف عمل شود و نباید تغییر داده شود، والله العالم.

85. یک باب حمام قدیمی وجود دارد، چندین سال است بر اثر سهل انگاری مسئولین مربوطه و اهالی محل به صورت خرابه ای درآمده است کانون فرهنگی و ورزشی جوانان مساجد قصد دارد این حمام را تعمیر کند و با توجه به سخنان بسیار مهم و ارزشمند اخیر مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان از این محل به عنوان خانه ی جوان استفاده نماید تا او از این محل تاریخی حفظ و نگهداری شود و ثانی استفاده بهینه از این محل برای فعالیت های جوانان کانون نماید، خواهشمند است دستورات لازم را در این زمینه مبذول فرمایید.

باسمه تعالی

زمین حمام اگر وقف باشد و بتوان از آن در جهت وقف ولو

ص: 97

با تعمیر استفاده نمود تبدیل آن به چیز دیگر جایز نیست و اگر وقف یا ملک شخصی نباشد، اختیار آن با مسئولین مربوطه است.

86. یک حسینیه قدیمی که هر ساله در آن تقریباً یک ماه روضه خوانی می شود، اخیراً از طرف بسیج سپاه می خواهند در حسینیه پایگاه مقاومت بسازند که قهراً تصرفاتی در آن می شود و تغییر شکل می دهد، حقیر متولی حسینیه هستم، آیا این تصرفات جایز است یا خیر و تکلیف حقیر متولی چیست؟

باسمه تعالی

تبدیل و تغییر وقف جایز نیست و متولی موقوفه باید مطابق نظر واقف و صلاح وقف عمل نماید.

87. احدی از خیرین شهرستان واحد مسکونی جهت راه اندازی مهد کودک در یکی از محله های آن شهرستان به این سازمان وقف نموده است. از آن جا که تعداد زیادی مهد کودک خصوصی در شهرستان راه اندازی گردیده و امکان ادامه ی کار مهد کودک به صورت دولتی وجود ندارد و از طرفی واحدهای اداری در حال واگذاری به بخش غیردولتی هستند و به لحاظ اینکه تعدادی کودک بی سرپرست در آن شهرستان در یک مجتمع غیرقابل سکونت در حال نگهداری هستند، آیا این سازمان اجازه

ص: 98

دارد از واحد موقوفه مذکور جهت نگهداری کودکان بی سرپرست فوق الذکر استفاده کند. ضمناً دسترسی به شخص وقف کننده وجود ندارد.

باسمه تعالی

اگر استفاده از مکان مذکور در رابطه با مهد کودک امکان ندارد، بهره برداری از آن در مطلق کار خیر از جمله منظور مذکور مانعی ندارد.

88. در مسیر مسجد جامع آب انبار متروکه و مخروبه ای که ظاهره وقفی است (ولیکن واقف و وقف نامه آن مشخص و موجود نیست) وجود دارد، حال در نظر است برای باز شدن فضای مسجد آب انبار مذکور تخریب گردد، حضرتعالی بفرمایید هیئت امنای مسجد مجاز به تخریب آن هستند یا نه؟

باسمه تعالی

تخریب جایز نیست، بلی با فرض این که قابل انتفاع نیست می توانند از آن در کارهای خیر استفاده کنند و از جمله در ارتباط با مسجد، والله العالم.

89. یک قطعه زمین چندین سال پیش برای حمام عمومی محل وقف گردیده، مدت چند سال حمام در آن مکان بوده و استفاده می شده، اکنون دیگر در آن زمین

ص: 99

حمامی وجود ندارد، انجمن و شورا و معتمدین محل تصمیم گرفتند آن را به همسایگان آن زمین بفروشند و بهای آن را برای امورات خیریه (مسجد و پل) و سایر طرح های عمرانی محل استفاده نمایند، خواهشمند است ما اهالی را در این خصوص راهنمایی فرمایید.

باسمه تعالی

فروش آن بنا بر احتیاط جایز نیست و اگر امکان استفاده از آن در حمام نیست می توانند در امور عام المنفعه، از آن استفاده کنند، والله العالم.

90. قطعه زمینی وقف شده تا در آن حسینیه ساخته شود؛ اما به علت اینکه هیچگونه درآمد و هزینه ای برای ساختن آن وجود ندارد یا کم و ناچیز است، سال های زیادی (حدود بیست و پنج سال است که بدون هیچ استفاده ای باقی مانده و هیچ مقدار از آن ساخته نشده است. آیا می توان قسمت بر خیابان این زمین را که طبق نقشه آن جزو حیاط حسینیه است، به چند مغازه تبدیل کرد و آنها را اجاره ی بلندمدت داد تا هزینه ی ساختن حسینیه از این طریق فراهم شود؟

باسمه تعالی

اگر وقف زمین برای حسینیه با قبض متولی شرعی تحقق پیدا کرده قابل تغییر و ساختن مغازه در آن نیست،

ص: 100

بلی در صورتی که امکان ساختن حسینیه در آن نیست می توانند در مطلق خیر از آن استفاده کنند، والله العالم .

91. در مواردی که اراضی موقوفه در طرح جاده های عمومی و خیابان قرار می گیرد، پرداخت مال الاجاره موقوفه شرعا به عهده چه کسی است؟ آیا مجری طرح که متصدی مسیر است مدیون به وقف است یا عابرین که در حقیقت بهره گیران از موارد تصرف وقف هستند؟ با علم به عدم پرداخت حق وقف و عدم رضایت متولی شرعی موقوفه، در صورت عبور از این مسیرهای وقفی نحوه برائت ذمه چگونه محاسبه می شود؟

باسمه تعالی

کسی که تخریب موقوفه و غیرقابل استفاده شدن موقوفه و در نتیجه اتلاف موقوفه حکم به او انتساب و استناد پیدا می کند، شرعا ضامن است که یا موقوفه را در صورت امکان به حال سابق برگرداند و یا وجه اجاره آن را پردازد و یا در صورتی که موقوفه را حکم به صورت تالف در آورده باشد عوض آن را تسلیم نماید و چنانچه موقوفه با تبدیل به خیابان در حکم تالف باشد بر عابرین چیزی در این باره نیست.

92. زمینی برای تعزیه خوانی و طلاب علوم دینی وقف شده است، این زمین کنار راه اصلی روستا قرار دارد، در

ص: 101

حال حاضر بعضی از اهالی روستا قصد دارند راه دیگری را در آن بسازند که در طرف دیگر زمین مزبور واقع می شود، اگر فرض کنیم کشیدن این راه در افزایش قیمت زمین مؤثر باشد، آیا انجام این کار جایز است؟

باسمه تعالی

مجرد افزایش قیمت زمین موقوفه براثتشیدن جاده در قسمتی از آن، مجوز شرعی تصرف در زمین وقفی یا تبدیل آن به راه نیست.

93. زمین موقوفه ای وجود دارد که دارای راهی است که فقط برای عبور چارپایان مناسب است و در حال حاضر به سبب ساخت وساز خانه کنار آن باید راه مزبور توسعه پیدا کند، آیا توسعه آن از دو طرف به طوری که به مقدار مساوی از زمین وقفی و املاک شخصی را در بر بگیرد جایز است؟ و بر فرض عدم جواز، آیا جایز است برای توسعه ی راه، آن مقدار از زمین وقفی از متولی آن اجاره شود؟

باسمه تعالی

تغییر وقف به محل عبور و جاده جایز نیست، مگر آنکه ضرورت الزام آوری آن را اقتضا کند و یا خود موقوفه برای انتفاع از آن نیاز به آن راه داشته باشد، ولی اجاره زمینی که وقف منفعت است برای توسعه راه عبور و مرور با رعایت مصلحت وقف اشکال ندارد.

ص: 102



94. محلی فاقد هرگونه امکانات ورزشی برای جوانان است، شورای اسلامی محل، انبار زیرتکیه (موقوفه) را به جوانانی که اکثراً از اعضای بسیج هستند اجازه داده اند تا در اوقات فراغت برای آموزش ورزش های رزمی استفاده کنند، آیا خلاف شرع بوده یا خیر؟

باسمه تعالی

شورای اسلامی چنین اختیاری ندارد و امر وقف با متولی شرعی آن است و باید با نظر او در جهت وقف از آن استفاده شود و تغییر داده نشود، والله العالم.

95. اعضای پایگاه شهدای مسجد به منظور گردآوری بسیجیان و جوانان عزیز محل و حفظ آمادگی فیزیکی لازم برای مقابله با تحرکات ضد انقلاب داخلی و تهاجم فرهنگی درصدد ایجاد کلاس های رزمی و آموزشی هستند و از حسینیه مجاور آن مسجد که در طول سال به جز ایام سوگواری ابا عبدالله الحسین علیه السلام تعطیل است، قصد استفاده دارند، استدعا می شود در خصوص نحوه ی استفاده از محل مذکور اعلام فرمایید، آیا می توان بدون اذن متولی جهت این اهداف از محل استفاده نمود و در صورتی که ایشان از این اقدام بسیجیان ممانعت نماید، آیا استمرار کلاسها شرعاً جایز است یا خیر؟

ص: 103

هرگونه استفاده و بهره برداری از وقف باید زیر نظر متولی شرعی آن و در جهت وقف باشد.

96. موقوفه ای است دارای دو باب مغازه که متأسفانه مستأجرین اجاره‌ی قانونی را طبق نظر کارشناس پرداخت نمی‌نمایند و متولی شرعی هم رضایت ندارد، این در حالی است که یکی از مغازه‌ها نانوایی است، خواهشمند است فتوای شرعی جهت خرید نان از مغازه فوق‌الذکر و همچنین حکم کسب و کار مستأجرین را بفرمایید.

باسمه تعالی

اگر بدون اجازه از متولی شرعی یا اجازه او در مغازه تصرف می‌کنند، تصرفات شان جایز نیست و حکم غصب را دارد.

97. یک رقبه از موقوفه بدون گرفتن سرقفلی به اجازه داده شده، مستأجر بعد از پایان مدت اجازه فوت می‌نماید، آیا وارث مستأجر می‌تواند ملک مذکور را همچنان در اختیار خود داشته باشد و از آن بهره‌برداری یا اینکه ملک مورد بحث بعد از پایان مدت اجازه باید به موقوفه برگردد؟

باسمه تعالی

پس از انقضای مدت اجازه مورد اجازه را باید به متولی شرعی تحویل دهند و تصرف در آن بدون اجازه او و صلاح وقف حکم غصب دارد.

98. املاک و مزارع ششدانگ موقوفه ای وجود دارد که کشاورزان به استناد داشتن سندهای اصلاحات ارضی قبل از انقلاب تاکنون حاضر به پرداخت مال الاجاره شرعی به متولی و اوقاف نشده اند، برای متشرعین و مبلغین مذهبی این سؤال مطرح است که با علم به موقوفه بودن آب و ملک و احراز عدم پرداخت حقوق وقف، تکلیف شرعی آن ها در استفاده از ملزومات املاک و منازل مذکور چیست؟

باسمه تعالی

تصرفات در املاک موقوفه موقوف بر اذن و اجازه متولی شرعی موقوفه است.

99. آیا تصرف در اموال موقوفه بدون اجازه متولی صحیح است یا خیر؟

باسمه تعالی

باید تصرف در وقف به نظر متولی شرعی باشد.

100. آیا اشخاصی که بدون مجوز اداری اوقاف و متولیان موقوفات اراضی وقفی را در تصرف دارند و متولی و اداری اوقاف به تصرفات آنها راضی نیستند، فرایض دینی آنها که در این رقبات انجام می دهند از نظر شرعی اشکال دارد یا خیر؟

ص: 105

باسمه تعالی

در صورت اطلاع و آگاهی، اعمال شان باطل است.

101. در دبیرستانی که زمین آن وقف بوده و سالیان درازی ساختمان مدرسه در آن بنا شده است می توان با دانش آموزان نماز جماعت اقامه کرد؟

باسمه تعالی

با نظر متولی شرعی با مراعات جهت وقف مانع ندارد.

102. اگر اداره ی اوقاف و متولی از موقوفه دفاع نکند و موقوفه را افراد خدانشناس تصرف کنند و در حال خارج کردن از وقف باشند، وظیفه شورای اسلامی و اهالی محل نسبت به این موقوفه چیست؟

باسمه تعالی

امر به معروف و نهی از منکر وظیفه عمومی مسلمین است.

103. در مواردی که دستگاه های دولتی بدون اذن متولی شرعی موقوفات و بدون پرداخت حقوق وقف مبادرت به حفر چاه و ایجاد شبکه لوله گذاری در اراضی و املاک موقوفه می نمایند، آیا ضمانت شرعی پرداخت حقوق وقف متوجه مصرف کنندگان و مشترکین است یا دستگاه

ص: 106

مجری طرح؟ با علم به عدم پرداخت حقوق وقف انجام وضو و غسل با چنین آبی به چه صورت است؟

باسمه تعالی

مصرف کننده ضامن آبی است که مصرف کرده است و بدون نظر متولی شرعی وقف نمی تواند در آب تصرف کند و غسل و وضو اشکال پیدا می کند.

104. گاه برخی از دستگاه های دولتی یا غیردولتی، به دلیل مسائل فنی و برنامه ریزی مجبور می شوند که در اراضی موقوفه تصرف کنند و مانند ایجاد سد، خاک ریزی، ایستگاه های برق و ستون های انتقال دهنده کابل ها یا عبور لوله های بزرگ انتقال نفت و گاز و ایجاد فضای سبز و سایر برنامه های خدماتی، در این گونه موارد هم باز مجری مربوطه شرعا مکلف به پرداخت حقوق موقوفه به حسب قیمت واقعی آن است یا خیر؟

باسمه تعالی

اگر تصرفات انتفاعی باشد، در موقوفاتی که به صورت وقف منفعت وقف گردیده تا عواید آن صرف جهت وقف شود، باید آن را از متولی شرعی اجاره نمایند و اجاره بهاء پردازند تا در جهت وقف مصرف شود و اگر تصرفات در اینگونه موقوفات در حکم اتلاف عین باشد موجب ضمان است، باید متصرف عوض آن را به متولی موقوفه تسلیم نماید.

ص: 107



خاتمه: آشنایی با واژه ها

اشاره

ص: 109

## اجاره:

الف. (مدنی. فقه) عقدی است که به موجب آن یک طرف منفعت عین یا نیروی کار خود را در ازای اخذ اجرت معامله می کند. مورد اجاره ممکن است اشیا یا حیوان یا نیروی انسان باشد (ماده 466-467 ق.م).

ب. عقدی است که به موجب آن مستأجر مالک منافع عین مستأجره می شود، اجاره دهنده را موجرو اجاره گیرنده را مستأجر مورد اجاره را عین مستأجره گویند.

## اجاره بها:

به معنی مال الاجاره است؛ یعنی اجرت و عوض منافع مالی که به موجب عقد اجاره معین می شود.

اجاره نامه: سند حاکی از وقوع عقد اجاره .

اجرت: (مدنی. فقه) الف- در عقد اجاره خدمات (ماده 514 ق.م) عوض اقتصادی خدمت را اجرت نامند.

ب- مال الاجاره (در اجاره اشياء . ماده 468 ق.م) را هم اجرت گویند، در این صورت این کلمه با لغت دیگر مرکب است؛ مانند «اجره المسمی» و «اجره المثل».

ص: 110



## اجرت المثل:

الف - عبارت است از حق التصدی که در قبال اداره ی امور بقاع متبرکه طبق ماده 34 آیین نامه اجرایی قانون برای ادارات حج و اوقاف و امور خیریه تعیین می گردد.

ب- (مدنی.فقه) اگر کسی از مال دیگری منتفع شود و عین مال باقی باشد و برای مدتی که منتفع شده بین طرفین مال الاجاره ای معین نشده باشد، آنچه بابت اجرت منافع استیفاء شده باید به صاحب مال مزبور بدهد، اجرت المثل نامیده می شود؛ خواه استیفاء مزبور با اذن مالک باشد خواه بدون اذن او.

در صورت اخیر اجرت المثل جنبه خسارت را هم دارد.

ج- گاه به معنی عوض المثل است.

## اجرت المسمی:

(مدنی.فقه) اجرت مذکور در عقد اجاره را اجرت المسمی گویند.

## احیاء:

(مدنی.فقه) مقصود احیای زمین های موات و مباحه است و مقصود از آن کارهایی است که در نظر عرف، آبادکردن محسوب شود؛ زراعت، کشت درخت، بنا ساختن از نمونه های آن هستند.

ص: 111

## اراضی موات:

عناصر اراضی موات امور ذیل است:

الف. سابقه مالکیت خصوصی آن معلوم نباشد.

ب. مشغول به کشت و زرع و بنا و آبادی نباشد (هر زمین معطل که در آن کشت و زرع نباشد اسمش زمین موات نیست بلکه ممکن است جزء اراضی متروکه باشد).

ج. بالفعل مالک نداشته باشد.

## ارکان وقف:

عبارت اند از عواملی که برای حصول و تحقق وقف وجود آنها ضروری است و عبارت اند از:

1. واقف 2. مورد وقف 3. موقوف علیه یا موقوف علیهم 4. متولی 5. ناظر 6. قبض و اقباض 7. وقف نامه.

## اسباب تملک:

(مدنی. فقه) اسباب قانونی برای مالک شدن چیزی است.

## اعیان:

(مدنی. فقه) جمع کلمه عین است و عین به معنی مالی است که جرم و ابعاد دارد؛ خواه وجود خارجی داشته باشد (مانند عقد بیع خانه معین)، خواه نداشته باشد (مانند چند تن گندم در ذمه، در عقد بیع سلم) در صورت اخیر آن را عین کلی نامند و در صورت اول آن را عین معین گویند.

ص: 112

## اعیانی:

مستحدثه احدائی روی اراضی.

در مقابل عرصه استعمال می شود و عرصه به زمین مملوک (زمینی که متعلق به مالکی است) گفته می شود و اعیانی به اموال غیر منقول موجود در زمین گویند؛ مانند: خانه، چاه، قنات، درختان، استخر و شنا.

## افراز:

مشخص کردن سهم یک یا چند شریک با رعایت قوانین ثبتی.

مرادف تقسیم است.

## امین موقوفه:

در صورت اثبات خیانت متولی موقوفه حاکم به اوضامین میکند (ماده 79 قانون مدنی و ماده 105103 قانون امور حسبی و رجوع شود به ضمن امین).

## اولاد:

(مدنی. فقه) معنی حقیقی آن ولد صلبی است (ذکور و اناث) و تعدی به ولد ولد نمی کند مگر به قرینه (جامع الشتات. ص 366)، چنانکه گویند اولاد نسلا بعد نسل که عبارت «نسلا بعد نسل» قرینه است.

ص: 113

زمینی است که در آن درختان مثمر یا موبه وسیله ی اشخاص غرس شده و عرفاً باغ شناخته شود.

الف. بیشتر به معنی فروختن که در اوقاف به منظور تبدیل به احسن نمودن موقوفات است. بیع و تبدیل موقوفه طبق مواد 88 و 89 قانون مدنی با کسب موافقت کتبی سرپرست سازمان امکان پذیر خواهد بود و در صورتی که متولیان طبق مواد 88 و 89 قانون مدنی قصد بیع و تبدیل موقوفه را داشته باشند کسب موافقت سرپرست سازمان ضروری است (تبصره ماده 43 قانون اوقاف).

ب. (مدنی. فقه) تملیک عین است به عوض معلوم (ماده 338 ق.م) شرط بیع این نیست که یکی از عوضین به عنوان ثمن داده شود (مفهوم مخالف ماده 464 ق.م) و این امر بیع را از صلح جدا می کند.

ج. عمل بایع را نیز به تنهایی بیع گویند (برخلاف معنی بالا که بیع به مجموع عمل بایع و مشتری گفته می شود)، چنان که در باب وصیت به ایجاب موصی وصیت گفته می شود.

استعمال بیع در مواد 202092 قانون جزا مجاز است نه حقیقت.

## بیع وقف:

(مدنی. فقه) بیعی که مبیع آن موقوفه باشد که در موارد استثنایی به تجویز قانون فروخته می شود (ماده 88 قانون مدنی).

## پذیره:

وجهی است که هنگام ایجار اراضی موقوفه با اعطای حقتملک اعیان به مستأجر، به عنوان پذیره ابتدایی یا هنگام انتقال رقبات به عنوان پذیره انتقالی، حسب مورد، به نفع موقوفه با رعایت آیین نامه مربوطه دریافت خواهد شد.

## تبدیل به احسن:

در مورد فروش مال موقوفه و تبدیل آن به مالی که به غرض واقف نزدیک باشد و احسن از اول هم نمی تواند باشد؛ به همین دلیل، استعمال کلمه تبدیل به احسن چندان رسا نیست و استعمال تبدیل به اقرب به غرض واقف که در ماده 90 قانون مدنی به کار رفته بهتر است، به عکس ماده 60 نظامنامه دفتر اسناد رسمی سال 1317.

## ترکه:

الف. دارایی زمان فوت متوفی که به سبب موت وی از مالکیت او خارج می شود، قبل از اخراج واجبات مالی و دین و ثلث. اصطلاح ماترک و متروکات نیز در همین معنی به کار می رود.

ص: 115

ب. مرادف ارث است و آن عبارت است از دارایی متوفی که دیون و واجبات مالی و ثلث از آن خارج شده باشد. این مال است که مالیات بر ارث به آن تعلق می گیرد.

### **تصرف:**

(مدنی) عبارت است از اینکه مالی تحت اختیار کسی باشد و او بتواند نسبت به آن مال در حدود قانون یا به عدوان تصمیم بگیرد.

تصرف ممکن است به مباشرت باشد یا به واسطه، مانند تصرف قیم و وکیل و مباشر (ماده 745 آیین دادرسی مدنی).

### **تصرف به عنوان وقف:**

تصرف کسی را در مالی به عنوان تصدی بر مال وقف یا انتفاع از موقوفه گویند؛ بنابراین، تصرف متولی و ناظر وقف و نیز تصرف موقوفه علیهم، تصرف به عنوان وقف محسوب است.

### **تصرف عدوانی:**

ید (تصرف) غیر قانونی را گویند. به معنی اعم عبارت است از خارج شدن مال از ید مالک (یا قائم مقام قانونی او) بدون رضای وی و یا بدون مجوز قانونی.

## تولیت:

تصدی امور وقف را گویند (ماده 63 ق . م).

## ثلث:

در لغت به معنی یک سوم چیزی را گویند و در اصطلاح به معنی یک سوم ترکه است که وصایای مالی موصی تا آن میزان بدون احتیاج بهاذن و اجازه ورثه نافذ است (ماده 843 قانون مدنی).

## ثمن:

(مدنی.فقه) مالی که عوض مبیع در عقد بیع قرار می گیرد ثمن نامیده می شود. ثمن باید مال باشد (ملاک ماده 348 قانون مدنی) و لازم نیست حتما پول باشد . هرگاه در عقد بیع یکی از عوضین پول باشد عنوان ثمن را دارد (ثمن بضم اول و سکون ثانی).

## ثمن بیع:

ثمن بیع یعنی وجه فروش و ثمن بیع وقف در صورت جواز بیع باید در حساب مخصوصی در بانک تودیع و با جلب موافقت سرپرست سازمان و طبق ماده 90 قانون مدنی، رقبه دیگر به نام همان موقوفه خریداری که عواید آن بر نهج وقف نامه سابق به مصرف خواهد رسید (ماده 43 قانون اوقاف).

ص: 117

(حقوق مدنی) نوعی از عقود احسان است بعضی از فقها آن را عقد نمیدانند که با وقف از جهات ذیل فرق دارد:

1. ملک محبوس از مالکیت حبس کننده خارج نمی شود هرچند برای حبس مدت معین نشود (این را حبس مطلق گویند)؛ در این صورت مادام که عین باقی است نمی توان از حبس عدول کرد؛ مثلاً اگر اتومبیلی را حبس کنند برای مدرسه ای و اتومبیل بعداً فرسوده شود، مصالح اتومبیل ملک حابس خواهد بود و حال اینکه وقف چنین نیست .

2. می توان برای حبس مدت معین نمود؛ ولی در وقف نمی توان مدت معین کرد؛ در این صورت مال محبوس پس از انقضای مدت به ملکیت کامل مالک یا ورثه عودت می کند.

3. اگر حبس مالی کنند و مدت معین نمایند به محض فوت حابس ملک جزء ترکه شده، حبس از بین می رود. حبس به این معنی قسیم وقف و عمری و رقبی و سکنی است (ماده 41 به بعد قانون مدنی). حبس کننده را حابس و مال مورد حبس را محبوس نامند و کسی که حبس به نفع او شده، محبوس علیه نامیده می شود.

اختلاف وقف و حبس به طور اجمال در ماده 27 قانون ثبت 1310 و ماده 19 قانون اصلاح قانون مالیات بر ارث و نقل و انتقالات بلاعوض مصوب 35-12-23 دیده می شود.



## حقوق زارعانه:

(مدنی) یا حقوق زارعین که در اصطلاحات دیگر دسترنج رعیتی، کارافه، چم، تبر تراش، حق اولویت رعیتی و حق ریشه و حق آب و گل و مانند اینها نامیده می شود، عبارت است از حق ریشه و بهای شخم و کود و ارزش زحماتی که برای آباد کردن زمین متحمل شده است (تبصره یک از بند الف از ماده اول تصویب نامه 18-11-41 هیئت وزیران، مجموعه اصلاحات ارضی، چاپ مجلس، صفحه (71-76-86-104)

## حقوق مکتسب متصرف:

هر نوع حقی که برای متصرف تحت شرایط قانونی معینی حاصل شده باشد؛ از قبیل: مالکیت اعیان، تحجیر، حقوق کسب و پیشه، حق نسق زارعانه، حفر چاه و غرس اشجار.

## ذوالید:

(فقه) کسی که مالی را تحت تصرف دارد، خواه تصرف مالکانه باشد خواه نه، خواه تصرف قانونی باشد خواه غیرقانونی. به جای این اصطلاح فعلا متصرف به کار می رود.

ص: 119

## رقبه:

(به فتح اول و دوم و سوم) عنوان املاک غیر منقول و همیشه به صورت اضافه استعمال می شود؛ مانند رقبات املاک پلاک فلان ...  
و درو تعبیر دیگر عبارت است از یک واحد ملکی غیر منقول. هر موقوفه یا مکان مذهبی ممکن است دارای یک یا چند رقبه باشد.

## سرقفلی

پولی که مستأجر ثانی (به معنی اعم) به مستأجر سابق در موقع انتقال اجاره ی بلا عوض می دهد و همچنین مستأجر اول به موجر مالک می دهد.

## شرط باطله:

شرطی که انجامش غیر ممکن یا مفید فایده نباشد یا لاف مقتضای عقد باشد.

## شرط صحیحه:

شرطی که انجامش ممکن و مقدور و مشروع و مفید فایده و در مسیر مقتضای عقد باشد؛ این قبیل شروط در عقد نافذ است.

ص: 120

## شرط ضمن عقد:

(مدنی. فقه) هر شرط که به موجب عقدی به نفع کسی و به ضرر دیگری مقرر شده باشد شرط ضمن عقد نامیده می شود ولو آنکه مذاکره درباره ی شرط قبل از انعقاد عقد شده باشد و عقد با توجه به مذاکره قبلی منعقد گردد. در مقابل شرط ابتدایی استعمال شده است.

## صدقه جاریه:

(فقه) به معنی وقف است. (جامع الشتات، ص 360)

## صلاحیت:

الف) عبارت است از شرایطی که متولیان، امنایا نظارباید براساس مفاد وقف نامه و قانون، داشته باشند.

ب) عبارت است از اختیار قانونی یک مأمور رسمی برای انجام پاره ای از امور مانند صلاحیت دادگاه ها (ماده 10 به بعد آیین دادرسی مدنی و صلاحیت مأمور دولت در تنظیم سند رسمی (ماده 1287 قانون مدنی).

## صیغه وقف:

در وقف اجرای صیغه وقف لازم است و آن هر لفظی استکه برانشای معنی مذکور دلالت کند.

ص: 121

## ضامن:

الف. متعهد در عقد ضمان را گویند (ماده 684 قانون مدنی)؛

ب. مسئول خسارات مالی؛

ج. مسئول مدنی و جزایی (در فقه استعمال شده است).

## ضم امین:

در مواردی که به موجب رأی دادگاه اداره ی موقوفه می باید با دخالت شخص دیگری علاوه بر متولی باشد، این عمل ضم امین و شخص تعیین شده امین منضم نامیده می شود.

## ضمان:

(فقه - مدنی) الف. به معنی عقد ضمان است و عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده بگیرد (ماده 684 ق م).

ب. به معنی مسئولیت مدنی است.

## عرف:

(به ضن عین) در لغت به معنی معرفت و شناسایی است و پس از آن به معنی چیزی است که در ذهن شناخته شده و مأنوس و مقبول خردمندان است.

ص: 122

## عقد:

(مدنی) تعهد یک طرف بر قبول امری که مورد قبول طرف دیگر باشد (ماده 183 قانون مدنی).

عقود و معاملات به اقسام، لازم، جایز، خیار و منجز و معلق منقسم می شوند.

(فقه) مشهور فقها ایجاب و قبول لفظی را مصداق عقد می دانند و اگر لفظ در بین نباشد می گویند تراضی حاصل است نه عقد و آن آثار را که بر عقد مرتب می کنند، بر تراضی مرتب نمی کنند.

## عقد اجاره:

(مدنی). فقه) عقدی است که یک طرف منفعت عین یا نیروی کار خود را در ازای گرفتن اجرت به دیگری می دهد.

## غبطه:

(فقه) منظور از غبطه در نگهداری اموال مولی علیه این است که ولی عملی نکند که موجب فساد مال مولی علیه شود؛ اما رساندن نفع به مولی علیه در تصرفاتی که ولی می کند ضرورت ندارد. (جامع الشتات، ص 212) در قانون ما فقط در مورد وجوه، قیم مکلف به تحصیل سود برای مولی علیه شده (ماده 90 قانون امور حسبی) و در ماده 79 همان قانون گفته شده: باید رعایت مصلحت

ص: 123

را بکنند؛ ولی رعایت مصلحت غیر از تحصیل نفع است؛ چه اقل مصلحت همان است که تصرفی در مال محجور نکند که موجب فساد گردد. (ماده 1241 قانون مدنی)

### غصب:

(مدنی. فقه) تصرف در مال غیر به نحو عدوان (ماده 308 ق. م) عناصر غصب عبارت است از:

الف. تصرف در مال غیر خواه آن مال عین باشد یا منفعت یا حق اختصاص؛

ب. فقدان مجوز قانونی تصرف؛ ج. علم متصرف به نبودن مجوز قانونی تصرف. اذن در تصرف که ناشی از اشتباه اذن دهنده باشد مجوز قانونی تصرف محسوب نمی شود و غصب محقق می شود. در فقه، غصب جرم است و مسئولیت کیفری نیز دارد؛ ولی غصب حکمی (ر.ک: غصب حکمی) جرم محسوب نمی شود.

(جزا) در ماده 264 به بعد قانون جزا از غصب زمین غیر و ملک غیر تحت شرایط خاصی بحث شده است. در قانون موقت درباره ی اشخاصی که مال غیر را انتقال داده، یا تملک می کنند مصوب دوم جوزای 1302 از تصرف غاصبانه و انتقال مال مغضوب بحث شده است، همچنین است قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر

مصوب 1308 در قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می کنند مصوب مرداد 1307 از یک نوع مقدمه برای ارتکاب غصب هم بحث شده است.

### فقه:

در لغت به معنی دانش و فهم است و فقیه به معنی دانشمند است. اصطلاح در هر یک از معانی زیر به کار رفته است:

الف. علوم اسلامی (از اخلاق، قوانین، رجال و درایه، کلام و اصول فقه). فقه به این معنی در عبارت «تفقه در دین» استعمال شده است. تفقه در دین یعنی مطلع شدن به مسائل دینی.

ب. مسائل اعتقادی (از توحید و نبوت و معاد و مانند اینها) که سابقاً فقه اکبر نامیده می شد و اکنون علم کلام و اعتقادات نامیده می شود.

ج. علم به قوانین اسلامی (شامل مقررات عبادت، عقود و ایقاعات، دادرسی، جزا، امور اداری، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر) که سابقاً فقه اصغر نامیده می شد و اکنون به طور مطلق «فقه» نامیده می شود.

### قاعده ید:

عبارت است از حکم، راه و روشی که بر اعمال ید و تصرف مالکانه مالک در ملک مورد مالکیت خود دلالت نماید.

ص: 125

الف. قبض به معنی گرفتن می باشد.

ب. ( مدنی. فقه) عناصر تشکیل دهنده قبض عبارت است از:

1. قرار گرفتن مال مورد معامله تحت اختیار طرف دیگر همان معامله ولو اینکه این کار به فعل معامل نباشد (مستفاد از ماده 374 قانون مدنی).

2. توجه طرف مذکور به قرار گرفتن مال مورد معامله تحت اختیار خود؛ بنابراین اگر کسی گوسفند را بفروشد و آن را بدون توجه مشتری در آغل وی قرار دهد مادام که مشتری به این امر توجه نکرده (به قدری که سیطره مشتری بر آن صدق کند)، قبض حاصل نشده است. وضع ید مشتری (متعامل) و عمل مادی از طرف او و نیز رضای او شرط تحقق قبض نیست، پس فرار گوسفند مزبور از آغل به سبب بی مبالاتی یا بی احتیاطی یا عمد متعامل مذکور قبض را از بین نمی برد و اگر گوسفند در آغل مشتری (متعامل) تلف شود، این تلف، تلف قبل از قبض نبوده و مشمول ماده 387 قانون مدنی نیست.

ج- سند مخصوصی است که بین متعهد و متعهد له (دائن و مدیون) رد و بدل می شود.



## قبض و اقباض:

عبارت است از به تصرف وقف دادن عین موقوفه از طرف واقف و قبول تصرف نمودن در عین موقوفه از طرف موقوفه علیه یا متولی.

## کافر:

مرادف اجنبی است.

## کافر حربی:

(فقه) کافری که متدین به هیچ یک از مذاهب اسلامی مسیح، یهود و زرتشت نباشد. در همین معنی اصطلاح «کافر غیرکتابی» هم استعمال می شود.

## گواهی مصرف:

عبارت است از تأییده ای که از طریق شعبه حقوقی ادارهی تحقیق به منظور مصرف درآمد موقوفه بر مبنای سیره ی جاریه صادر می گردد.

## مأذون:

(مدنی.فقه) کسی که از طرف صاحب حق یا از طرف حاکم یا نماینده قانونی اذن در فعل یا ترک معینی را دارا شده باشد، فرق نمی کند مأذون صغیر باشد یا کبیر.

ص: 127

## مؤسسات فرهنگی:

مراکز تربیتی و کتابخانه ها و مؤسسات علمی که دارای جنبه تربیتی هستند و مؤسساتی که به منظور تشویق هنر ایجاد گردیده اند از قبیل: موزه و مرکز مجامع هنری و ادبی (ماده 7 موافقت نامه فرهنگی ایران و بلژیک مصوب 28-4-43 مجلس شورای ملی).

## ماترک:

(مدنی. فقه) مالی که با فوت مالک آن و به حکم قانون به وراثت تعلق گیرد و عنوانی نیز غیر از عنوان ترکه قانون به آن ندهد؛ بنابراین، حقوق تقاعد که تحت این عنوان منتقل می شود ترکه محسوب نیست و مشمول مالیات بر ارث نمی شود و آنچه به موجب قرارداد بیمه عمر و به محض فوت به مالکیت ثالث درمی آید عنوان ترکه را ندارد؛ زیرا انتقال آن به موجب قرارداد است نهایت اینکه معلق بر فوت است و قرارداد بیمه در انتقال آن دخالت عمده دارد؛ درحالیکه انتقال ترکه صرفاً به حکم قانون است و هیچ عقدی در آن دخالت ندارد.

## مادام الحیوه:

تا زمان حیات.

ص: 128

## مال الاجاره:

(مدنی. فقه) عوض منافع در اجاره‌ی اشیا و حیوانات را گویند. امروزه اجاره بها بسیار شایع شده است و جای اصطلاح بالا را می‌گیرد. در اجاره‌ی خدمات، عوض را اجرت گویند.

## مال مشاع:

(مدنی) مال مشاع یا ملک مشاع، مالی را گویند که دو یا چند نفر مالک داشته و سهم هر یک مشخص و ممتاز نباشد.

## مال مفروز:

(مدنی. فقه) سهم هر مالک در ملک مشاع پس از افراز و تفکیک سهام را مال مفروز گویند. به مالی که سابقه‌ی اشاعه نداشته باشد مال مفروز گفته نمی‌شود.

## مالک:

در معانی ذیل به کار می‌رود:

الف. صاحب ملک؛

ب. صاحب مال غیر منقول اعم از زمین و غیر آن؛

ج. صاحب اراضی؛

د. در قانون اصلاحات ارضی 19-10-40 کسی است که دارای زمین باشد بدون اینکه شخص به کشاورزی اشتغال داشته باشد؛

ص: 129

صاحب سرمایه در عقد مضاربه (ماده 546 ق.م)؛

و. کسی که مال او را عاقد فضولی به معرض معامله گذاشته است (ماده 248 ق.م).

### **مالکیت شخصی:**

حقی است که به موجب آن (علی القاعده) افراد بتوانند به نفع خود سلطه مالکانه بر اموال داشته باشند. در همین معنی اصطلاحات مالکیت خصوصی «مالکیت اختصاصی» مالکیت فردی هم به کار می رود.

### **متروکه:**

چیزی که از آن چشم پوشیده و اعراض شده است.

(فقه) زمینی که ملک بوده و مالک از آن اعراض کرده است؛ مانند آبادی هایی که بر اثر زلزله به کلی ویران شده و اهالی به کلی مهاجرت کرده و دست از آنها برداشته اند.

### **متصرف:**

الف - حسب مورد زارعان صاحب نسق یا قایم مقام قانونی آنان، مالکان اعیان و اشخاصی که به گونه ای عرصه یا عرصه و اعیان موقوفه تبدیل یا فروخته شده را درید اختیار دارند.

ب- کسی که مالی را در اختیار دارد خواه به عنوان مالکیت

باشد خواه به عنوان دیگر ولو به طور غصب و تصرف غیرقانونی.

### **متعذرالمصرف: (موقوفه متعذرالمصرف)**

الف- موقوفاتی که عواید آنها به سبب قلت، گرچه با پس انداز چند سال برای اجرای نظر واقف کافی نباشد. در این شرایط با تشخیص تحقیق اوقاف در مورد اقرب به غرض واقف، در محل به مصرف می رسد.

مقصود از متعذرالمصرف آن است که صرف درآمد موقوفه در مصارف مقرر، به علت فراهم نبودن وسایل یا انتفای موضوع یا عدم احتیاج به مصرف، مقدور نباشد.

ب- (مدنی. فقه) موقوفه ای است که به دلیل فراهم نبودن وسایل یا از میان رفتن موضوع یا عدم نیاز به مصرف، صرف آن در مصارف مقرر متعذر باشد؛ یعنی میسر نباشد (ماده 42 قانون اوقاف 1314).

### **متولی:**

الف- شخصی است که به استناد مفاد وقف نامه با تشخیص شعب تحقیق با حکم دادگاه برای اداره ی امور موقوفه تعیین شده یا بشود.

ب- (مدنی. فقه) کسی که اداره ی امور موقوفه ای را عهده دار باشد (ماده 75 قانون مدنی).

ص: 131

## متولیان منصوب:

متولیانی هستند که از طرف حاکم شرع، سازمان نهاد یا فرد برای آنها حکم صادر می گردد.

## متولیان منصوص:

متولیانی هستند که نام آنها با سلسله نسب (بطنا بعد بطن و نسلا بعد نسل) در وقف نامه برده شده است.

عبارتست از هر شخص حقیقی و یا حقوقی که به اسم یا به صفت از طرف واقف در وقف نامه تعیین و معرفی شده باشد.

## مجوز شرعی:

مجوزی که براساس ضوابط شرع مقدس اسلام در مورد تبدیل یا فروش اموال موقوفه توسط مجتهد جامع شرایط صادر شده باشد.

## مجهول المصرف: (موقوفه مجهول المصرف)

الف) موقوفه ای است که به علت فقدان یا از بین رفتن قسمتی از وقف نامه یا اجمال و ابهام عبارات وقف نامه نوع مصرف عواید آن مشخص نباشد.

ب) (مدنی. فقه) موقوفه ای است که به علت وقوع حوادث و گذشت زمان دلیلی بر مصرف وقف در دست نباشد مثل اینکه وقف نامه از بین رفته و نتوان دلیلی (مانند شهادت

شهود) بر مصرف واقعی و هدف واقف اقامه کرد (ماده 29 قانون ثبت و ماده 41 قانون اوقاف 1314) با وجود این جهل هم موقوفه متعذرالمصرف خواهد شد.

### **مصالح عمومی:**

مصالح مربوط به گروه وسیعی از یک محل یا مملکت یارسته مانند مصالح مربوط به یک شهر که شهرداری آنها را حفظ می کند و مصالح مربوط به کشور و مصالح مربوط به دانشگاه یا وقف عام یا صغار و غایبان (ماده 139 آیین دادرسی مدنی).

### **مصلحت وقف:**

تأمین نظر واقف و منافع موقوف علیهم با رعایت غبطه ی موقوفه.

### **معاطات:**

(فقه) صفت عقد معوضی است که ایجاب و قبول آن لفظی یا کتبی یا با اشاره نبوده بلکه به دادن و ستدن صورت گیرد مانند بیع معاطات. اغلب فقها عقود معاطی را عقد نمیدانند؛ ولی بیع می دانند و بیع از نظر آنان دو قسم است: بیع عقدی (که ایجاب و قبول آن لفظی است) و بیع غیر عقدی (یا معاطاتی) که به دادن و ستدن صورت می گیرد. بر این نظر دلیلی از نصوص شریعت که مقرر (قانع کننده) باشد به دست نیامد.

ص: 133

## معامله فضولی:

(مدنی. فقه) معامله به مال غیر بدون نمایندگی خواه برای خود و خواه برای مالک. شرط تحقیق معامله فضولی این نیست که معامله فضول برای صاحب مال و بدون اذن او باشد، بلکه ممکن است برای خود معامله کند؛ مانند سارق که مال مسروق را برای خود می فروشد و این نمونه شایع عقد فضولی است و همچنین است مال غصب که غاصب برای خود معامله می کند..

## ملک مشاع:

(مدنی. فقه) ملکی که بین چند نفر مشترک باشد در مقابل ملک مفروزاستعمال می شود.

## ملک مفروز:

(مدنی. فقه) ملکی که بعد از اشاعه به صورت چند سهم جداگانه درآمده و بین شرکا تقسیم شده باشد و در مقابل ملک مشاع استعمال می شود.

## موقوفات خاص:

موقوفاتی که برای شخص یا اشخاص معین و محصور، مانند وقف بر اولاد و احفاد باشد.



## موقوفات عام:

موقوفاتی که در جهت و مصلحت عمومی با عناوین عامه باشد.

## موقوفات متصرفی:

موقوفاتی است که به موجب قانون و با رعایت آیین نامه، اداره ی آن ها به عهده سازمان حج و اوقاف و امور خیریه است.

## موقوف علیه:

(مدنی. فقه) کسی که از طرف وقف کننده حق بهره بردن از منافع مال موقوفه به او داده شده است.

## موقوف علیهم:

شخص یا اشخاصی که تحت هر عنوان از عواید و منافع موقوفه براساس متن وقف نامه استفاده می برند و به نوعی ذینفع هستند. جمع موقوف علیه است.

## موقوفه:

(مدنی. فقه) مالی که به موجب عقد وقف، عین آن حبس و ثمره آن در اختیار یک یا چند نفر یا گروه معین یا مصرف معین نهاده شده باشد. کسانی که وقف برای خاطر استفاده آنان به عمل آمده موقوف علیهم نامیده می شوند

و اگر یک نفر باشد موقوف علیه نامیده می شود (ماده 55 - 56.59 قانون مدنی).

وقف موجب تسبیل منافع است؛ ولی هر مال که منافع آن تسبیل شده و قابل نقل و انتقال نباشد موقوفه نیست؛ مانند پارک شهر و دانشگاه که منافع آن تسبیل شده؛ ولی موقوفه نیستند. بین وقف و تسبیل منافع عموم و خصوص مطلق است.

### **نظارت استصوابی:**

نظارتی است که اقدامات متولی با تصویب قبلی ناظر صورت گیرد. لازم است در مواردی که طبق قانون و آیین نامه نظارت سازمان پیش بینی شده این نظارت استصوابی است.

### **ناظر استصوابی:**

(مدنی) این اصطلاح از ماده 78 قانون مدنی به دست می آید. تصویب در این ماده به رد و قبول اختصاص ندارد؛ بنابراین، حتی در مواردی که رد و قبول مفهوم ندارد نیز ناظر مذکور صلاحیت دخالت دارد، پس اگر متولی که ناظر استصوابی بر او گماشته اند در دعوی وقف طرف دعوی باشد ابلاغ اوراق دعوی به ناظر مذکور لازم است چه غرض از تصویب ناظر وقف حمایت از منافع موقوفه

ص: 136

است و لازمه اش این است که اوراق دعوی به متولی و ناظر استصوابی ابلاغ شود و ماده 1235 قانون مدنی نفی صلاحیت ناظر مزبور را در این مورد نمی کند؛ زیرا آن ماده وارد مورد اغلب است؛ لکن چون صلاحیت ناظر مذکور در طول صلاحیت متولی است (ناظر و متولی مانند دو وکیل یک مدعی نیستند) باید اختیار تصویبی ناظر به حداقل ممکن تنزل کند؛ یعنی همین قدر که مصالح مورد نظارت را تأمین کند؛ بنابراین، قیاس اقتضا میکند ماده 141 آیین دادرسی مدنی در حق ناظر استصوابی اعمال شود و ماهیت تصویب و استصواب به همین مقدار محقق می شود و زائد بر این مقدار ضرورت ندارد. جامع در قیاس ناظر استصوابی به دادستان همان اختیار تصویبی است که دادستان هم آن اختیار را در حد بسیار وسیعی داراست چنان که در مواد 1237.1241.1242 قانون مدنی دیده می شود.

## واقف:

(مدنی. فقه) کسی که مالی را بر دیگری با دیگران یا برای مصالح خاصی وقف می کند. (ر.ک: وقف)

ص: 137

## وقف:

الف - عبارت است از حبس عین مال و قراردادن منفعت آن، در راه خیر.

ب- (مدنی. فقه) عقدی است که به موجب آن مالک عین مال معینی از اموال خود را از نقل و انتقال مصون کرده (حبس می کند و منافع آن را در اختیار شخص یا اشخاص یا مصرف معین میگذارد (ماده 55 قانون مدنی) اگر وقف کننده متولی هم باشد اقباض خود به خود حاصل است و حاجت به عمل دیگری ندارد.

ج- در فقه به معنی توقف و احتیاط است چنان که گویند: اصل در اشیاء وقف است نه حظر؛ یعنی هرگونه اقدام در امور زندگی که قانون صریح نهی نکرده یا امرنموده باشد باید بر وفق احتیاط باشد و باید از اقدام برخلاف احتیاط خودداری (توقف) کند؛ زیرا تصرف در ملک خداوند بدون اذن او روا نیست. مکتب اخباری طرف دار این نظر است در مواردی که احتمال تحریم می دهد. (الفوائد المدنیه، ص 222 به بعد)

## وقف انتفاع:

عبارت است از وقفی که از قبل استفاده منتفع از آن وجهی پرداخت نگردد؛ مانند وقف مسجد. پل - شوارع.

ص: 138

## وقف بر نفس

(مدنی. فقه) هرگاه موقوف علیه وقف، شخص یا اشخاص حقیقی باشند، در این صورت اگر واقف هم موقوف علیه قرار گیرد این وقف را وقف بر نفس نامند که باطل است؛ اما اگر وقف بر شخص حقوقی کند، یعنی وقف بر مصارف عام کرده و خود هم استفاده کند اشکالی ندارد؛ مانند اینکه شخص قریه ای را وقف بر دانشگاه کند و خود او هم استاد یا دانشجوی دانشگاه باشد.

## وقف خاص:

الف- وقفی است برای شخص یا اشخاص معین و محصور؛ مانند وقف بر اولاد و احفاد.

ب- (مدنی. فقه) وقفی که به افراد محصور اختصاص داشته باشد؛ مانند وقف بر اولادان واقف نسلا بعد نسل.

## وقف عام:

الف - وقفی است که در جهت و مصلحت عمومی با عناوین عامه باشد؛ مانند وقف بر مساجد، مدارس، تعزیه داری، اطعام، دارو و درمان، کمک به فقرا و ایتم. موقوفاتی که به وسیله ی اقلیت های دینی برای معابد و امور عام المنفعه اختصاص یافته وقف عام تلقی می شود.

ب- (مدنی. فقه) وقف بر مصارف و جهات عمومی را گویند؛ مانند وقف بر دانشگاه یا نویسندگان و هنرمندان.

## وقف معاطاتی:

وقفی است که در آن صیغه و لفظ نباشد؛ مانند مساجد، معابر طرق، شوارع، پل ها، کاروان سراهای آماده نزول مسافران و درختهای غرس شده برای انتفاع رهگذران از سایه یا میوه آن، بلکه در اشیای نظیر بوریا برای مساجد و قنادیل مشاهده مشرفه و نظایر آن و به طور عموم آنچه حبس بر یک مصلحت عمومی باشد. (ر.ک: معاطات)

## وقف منفعت:

عبارت از وقفی که با ایجار و استیجار منفعتی حاصل شود و این منافع در جهت اجرای نیات واقف هزینه گردد؛ مانند وقف باغ، اراضی و دکان.

## وقف منقطع الاخر:

(مدنی. فقه) عبارت است از وقف بر آنچه غالباً انقراض می پذیرد؛ مانند وقف بر اولاد نسلا بعد نسل. قول قوی این است که تأیید (جاویدان بودن) شرط وقف است و بنابراین قول برای حصول منظور باید واقف وقف کند بر اولاد نسلا بعد نسل و اضافه کند که هرگاه منقرض شوند وقف بر مساکین یا مساجد یا مدارس یا راه ها باشد. برخی دیگر می گویند که وقف منقطع الاخر حبس است و پس از انقراض موقوف علیه موقوفه به وراثت قانونی او برمی گردد.

عده ای از قدمای فقها وقف منقطع الاخر را به عنوان وقف صحیح تلقی کرده اند.

## وکالت:

(مدنی. فقه - دادرسی) عقدی که به موجب آن شخص به دیگری اختیار انجام عملی را به نام و به نفع خود میدهد (ماده 656 ق. م).  
وکالت دهنده را موکل و وکالت گیرنده را وکیل نامند.

## وکیل در توکیل:

وکیل در امری نمی تواند برای آن امر به دیگری وکالت دهد مگر اینکه موکل چنین اذنی به وکیل داده باشد.

## ید:

(مدنی. فقه) تصرف در مالی را ید گویند، خواه تصرف قانونی باشد خواه غیرقانونی (ماده 35 ق. م).

(قاعده) ید:

(مدنی. فقه) تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است مگر اینکه خلافش ثابت شود. کسی که متصرف است تصرف او به عنوان مالکیت شناخته می شود... (ماده 747 آیین دادرسی مدنی).

ص: 141

قاعده ید از امارات (علامتها، نشانه‌ها) قانونی نسبی است و می‌توان خلاف آن را اثبات کرد.

مقررات ثبت املاک این قاعده را محدود می‌کند (ماده 22 قانون ثبت).

**یک قصبه:**

ده متر مربع

ص: 142





## منابع:

1. استفتائات وقف

حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی.

2. احسان ماندگار

معاونت فرهنگی اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه.

3. مروری بر اصطلاحات وقف

سعید آذربئی.

ص: 144

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

